نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ،
فرهنگی ،اقتصادی
ورزشی

شماره بیست و پنجم - یکشنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۷۷

هشت صفحه ۵۰ تومان

انتخاب شوراها تلاش برای تمرکززدائی

به تکرار غم نیما

«تقدیم به روح بزرگ نیما یوشیج پایه گذار شعر نو، فکر نو و دید نو»
بمناسبت سالمرگ نیمایوشیج (۱۳ دی ۱۳۳۸)

چالش بنیادین در سنگواره‌های فراموشی

به بهانه نمایش «اژدهاک» از بهرام بیضایی

موسیقی در نمایش

پذیره نویسی در شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه استان بوشهر (سهامی عام)



حجة‌السلام شیخ محمد صداقت:
اسلام برای همه ابعاد فطری و غریزی نوجوانان و جوانان برنامه دارد

سرنوشت کالاهای قاچاق در بوشهر؟!

اعتراض به غذا در دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر

نامه سرگشاده مرغداران دشتستان به‌فرماندار این شهرستان
جلوی توزیع مرغ زنده را در دشتستان بگیرید

اعتماد به نفس در کودکان

شوراهای شهر و روستا تجربه عینی مشارکت

مشکل ما مشکل فرهنگی

دکتر منصور وثوقی، جامعه شناس و استاد دشتستانی دانشگاه تهران:

و ضعف مدیریت است

گبه و گلیم بوشهر در آلمان و ایتالیا

عضویت ۱۳ زن در هیئتهای اجرایی انتخابات شوراها در استان بوشهر

اعضاء هیأت اجرائی انتخابات شوراهای شهرستان بوشهر مشخص شدند

جلسه انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل هیات اجرائی انتخابات شورای اسلامی بوشهر به ریاست فرماندار و شرکت اعضاء در محل فرمانداری تشکیل گردید.
فرماندار بوشهر در این جلسه انجام صحیح و سالم انتخابات را مورد تأکید قرار دادند.
در پایان معتمدین، افرادی را به عنوان اعضاء اصلی و علی‌البدل هیئت اجرائی انتخاب نمودند.
اعضای هیئت اجرائی شهرستان بوشهر عبارتند از:
حجةالسلام حسین رزمجو(امام جمعه موقت بوشهر)، غلامرضا قادریان (معاون اداره کل تامین اجتماعی)، غلامرضا حاجی‌نژاد(معاون اداره کل آموزش و پرورش)، محمد مهدی حاجی‌پور (رئیس اداره تامین اجتماعی شهرستان بوشهر)، احمد زیارتی (مدیر بازارچه مرزی)، نصرالله اسدی (مسئول آموزش وپرورش تیزهوشان)، سیدعلی موسوی نژاد (رئیس روابط عمومی استانداری).
علاوه بر این افراد فرماندار بوشهر (حسن قائدزاده)، رئیس آموزش وپرورش شهرستان بوشهر (ماشاءالله عالی‌حسینی) و رئیس اداره ثبت احوال شهرستان بوشهر (یدالله استوار) نیز از اعضای هئیت اجرای شهرستان بوشهر می‌باشند.

تا پایان سالجاری ۱۵ واحد تعاونی در استان به تولید خواهند رسید.

اداره کل تعاون استان بوشهر در نه ماهه اول سالجاری موفق به تشکیل ۲۷ شرکت تعاونی با مجموع ۸۲۲ نفر عضو و سرمایه‌ای در حدود یک میلیارد و نهصد میلیون ریال شده است. این تعاونیها که بیشتر در بخش کشاورزی صنعت و خدمات و مسکن فعالیت خواهند داشت اغلب در شهرستانهای بوشهر، دشتستان، گناوه و دشتی قرار دارند.
به گزارش روابط عمومی این اداره، اداره کل تعاون استان بوشهر در مدت یاد شده تعداد ۳۸ واحد از تعاونیهای تشکیل شده را جهت دریافت مبلغ ۲۹۲۱۶ میلیون ریال وام تبصره ۳ از محل سهمیه ملی به وزارت تعاون معرفی نموده است. همچنین تعداد ۳۸ واحد تعاونی دیگر را برای دریافت ۱۷۶۵۰ میلیون ریال وام از محل تبصره ۳ به کمیته برنامه‌ریزی شهرستانهای مختلف استان معرفی تا پس از تصویب وام آنها، به بانکهای عامل استان معرفی شوند. درصورت شروع به کار تعاونیهای اخیر حدود ۴۵۰ فرصت شغلی ایجاد خواهد شد. تعاونیهای اخیرالذکر بیشتر در زمینه‌های صنعت و کشاورزی در شهرستانهای دشتستان و تنگستان و بوشهر تأسیس شده‌اند.
بنا به این گزارش در نه ماهه اول سالجاری تعداد ۱۲ واحد از تعاونیهای استان به تولید رسیده و پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۵ واحد دیگر از این تعاونیها بطور متوسط حدود ۸۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده است که تقریباً ۸۰ درصد از این مبالغ بصورت وام از سوی اداره کل تعاون پرداخت شده و ۲۰ درصد مابقی را مؤسسین این تعاونیها سرمایه‌گذاری نموده‌اند.

انتشار گاهنامه کتیبه توسط دانش‌آموزان

به همت جمعی از دانش‌آموزان دبیرستان دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر گاهنامه داخلی بنام کتیبه منتشر شده است. این گاهنامه که در ۸ صفحه و به کوشش مجتبی ملکوتی، عمار حیدری، روزبه حمزه‌ئیان و ... منتشر شده است مطالبی تحت عنوان «کیهان، دریای کرانه ناپدید، بوی ذغال (داستان)، نگارشی بر طبقه‌بندی سازها و ...» به چاپ رسیده است، برای این عزیزان آرزوی توفیق داریم.

پذیره نویسی در شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه استان بوشهر (سهامی عام)

بنا به گزارش رسیده، با پیگیریهای بعمل آمده و انجام بررسیهای لازم توسط مسئولین ذیربط در استان و نشستهای مقدماتی هئیت مؤسس شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه استان بوشهر (سهامی عام) مقدمات تاسیس این شرکت با سرمایه اولیه ۱۴ میلیارد ریال فراهم گردیده است که مبلغ سه میلیارد ریال آن توسط هیئت مؤسسین پرداخت یا تعهد شده است و با توجه به صدور مجوز انتشار اعلامیه پذیره‌نویسی از اداره ثبت‌اسناد شهرستان بوشهر، پس از انتشار اعلامیه مذکور که قریباً در روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر خواهد شد بقیه سرمایه از طریق خرید سهام اقشار مختلف مردم تأمین و پرداخت خواهد شد.

به کوشش مامورین نیروی انتظامی
کشف ۳۸ کیلو مواد مخدر

با تلاش و کوشش مأمورین منطقه انتظامی دشتی همچنین مأمورین مدیریت مبازه با مواد مخدر این ناحیه موفق شدند در مورخه ۷۷/۱۰/۶ در گلوگاهِ شهید صلاحی، مقدار ۳۸ کیلوگرم تریاک از یک راننده خودرو لاندرور بنام فریدون که به طرز ماهرانه‌ای پشت صندلیهای خودرو مذکور جاسازی نموده بود و کشف و ضبط و به همراه متهم تحویل مقامات ذیصلاح نمایند.

خرید ۱۴۰ میلیون ریال کتاب توسط دانش آموزان

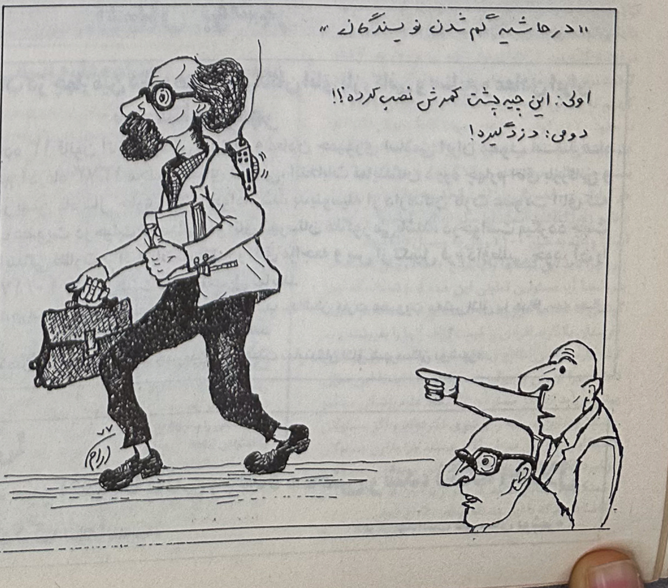
در سه ماهه اول سال تحصیلی جاری بیش از ۱۴۴ میلیون ریال کتب توسط اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر خریداری و در قالب ۱۵ نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شده است.
معاون پرورشی اداره آموزش و پرورش ضمن بیان این مطلب افزود: از این مبلغ ۹۰ میلیون ریال توسط دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی خریداری شده است و مبلغ ۵۲ میلیون ریال کتاب نیز به مدارس و کانونهای استان بوشهر اهداء شده است.

شبی با قرآن در دانشگاه خلیج فارس

برگزاری مراسم شبی با قرآن با حضور قاریان برجستهٔ استان بوشهر در سالن آمفی تئاتر دانشگاه خلیج‌فارس برگزار شد. در این مراسم که به همت هیأت محبین اهل بیت دانشگاه برگزار گردیده بود، دانشجویان قاری در یک فضای صمیمی و قرآنی به اتفاق قاریان برجستهٔ استان به قرائت قرآن پرداختند. گفتنی است که هیئت محبین اهل بیت دانشگاه خلیج فارس بوشهر، متشکل از دانشجویان، اساتید، کارکنان و مسئولین دانشگاه می‌باشد.

نمایش اژدهاک در دانشگاه خلیج‌فارس

نمایش اژدهاک که پس از موفقیت در جشنواره تئاتر استان بوشهر، در جشنواره منطقه نیز رتبه اول را بدست آورد، هفته گذشته در سالن آمفی تئاتر دانشگاه خلیج‌فارس به روی صحنه رفت که مورد استقبال چشمگیر و بی‌نظیر دانشجویان و هیئت علمی دانشگاه قرار گرفت. مظفری کارگردان و بعضی از عوامل و دست‌اندرکاران پس از نمایش در یک پرسش و پاسخ شرکت نموده و دانشجویان به نقد نمایش مذکور پرداختند.



فعال شدن جبههٔ مشارکت ایران اسلامی در بوشهر

شنیده می‌شود دفتر جبههٔ مشارکت ایران اسلامی به زودی در بوشهر راه‌اندازی می‌شود و آقای آل‌بویه مسئول پیشین دفتر انتخاباتی سیدمحمد خاتمی در استان بوشهر به عنوان مسئول این دفتر جدید نیز منصوب گردیده است. از قراین پیداست که اعضای اصلی دفتر فعالین ستاد سیدمحمد خاتمی در دوران انتخابات ریاست جمهوری باشند، همچنین از جمعی از اعضای هیئت امنای حزب‌الله بوشهر نیز در این رابطه نام برده می‌شود.

اعتصاب غذا در دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر

گفته می‌شود که پنج‌شنبه گذشته دانشجویان خوابگاه دانشجوئی میلاد وابسته به دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر در اعتراض به کیفیت نامطلوب غذا در ماه رمضان دست به تحصن زده‌اند.
این اعتصاب که از ساعت ۴:۳۰ الی ۹ بعدازظهر ادامه داشت با حضور محمدی مدیر امور دانشجوئی در بین دانشجویان خاتمه یافت. گفته میشود زمانی که دانشجویان بوسیله تلفن به مسئول امور تغذیه دانشگاه در ارتباط با اعتصاب دانشجویان و کیفیت غذا اطلاع می‌دهند، وی جواب قانع کننده‌ای در پاسخ نمی‌دهد. گفته می‌شود زمانی که مدیر امور دانشجویان در بین دانشجویان حضور می‌یابد، دانشجویان خواستار عذرخواهی مسئول امور تغذیه در جواب دانشجویان می‌شوند.

انتشار اولین پیش شماره همشاگردی

اولین پیش شماره همشاگردی، مجله اختصاصی کودکان و نوجوانان استان بوشهر منتشر شد.
در اولین پیش‌شماره این مجله که به صاحب‌امتیازی و مدیرمسئولی حسن بادمهر منتشر شده است مطالبی از جمله «روستای من، زیارت»، گزارشی از مدرسه دخترانه غیرانتفاعی صبا، قصه‌های مجید و دایرةالمعارف کودکان و نوجوانان و ... به چاپ رسیده است.
این نشریه که قرار است بصورت ماهانه منتشر شود در ۳۲ صفحه بصورت مجلد و به قیمت ۱۰۰ تومان عرضه شده است.نسیم جنوب انتشار این ماهنامه را به صاحب‌امتیاز و مدیر مسئول آن و دیگر دست‌اندرکاران آن تبریک می‌گوید.

گبه وگلیم بوشهر در آلمان و ایتالیا

به گفته مدیر صنایع دستی بوشهر، از ابتدای سالجاری تا پایان آذرماه، ۳ هزار و ۶۰۰ مترمربع فرش در این استان تولید شده است. سهیلی ارزش این میزان تولید شامل گلیم وگبه را ۴۳۲ میلیون ریال اعلام کرد.
وی افزود: تمامی تولیدات گلیم و گبه استان بوشهر به کشورهای آلمان و ایتالیا صادر و از این طریق ۲۱۶ هزار مارک ارز عاید کشور شده است.
وی گفت: «در سالجاری تاکنون با هزینه ۵۴ میلیون ریال ۱۱ کلاس آموزشی در مناطق مختلف استان برگزار شد و ۱۱۰ نفر از روستائیان استان در زمینهٔ بافت گلیم، گبه و قالی آموزشهای لازم را فراگرفتند.
در استان بوشهر هم اکنون ۱۸۰۰ کارگاه تولید فرش فعال است.

جلسه بحث وگفتگو جوانان در اهرم

جلسه مجمع بحث و گفتگوی جوان کانون فرهنگی، تربیتی دلیران تنگستان اهرم در دی ماه، باحضور فرماندار منطقه انتظامی تنگستان و در حضور اعضای این کانون تشکیل شد. فرمانده نیروی انتظامی در این جلسه یکی از سلاحهای استکبار در تهاجم فرهنگی علیه مسلمانان را گسترش اعتیاد مواد مخدر در بین جوانان دانست و برای جلوگیری از این امر خواستار همکاری جوانان و خانواده آنها با نیروی انتظامی شد.
سرهنگ دهقان در این جلسه به سؤالات دانش‌آموزان در مورد مسائل امنیتی شهر و منطقه توضیحاتی ارائه داد.

آموزش سیاسی برای مربیان مدارس

دومین مرحله از آموزش سیاسی ویژه مربیان پرورشی با شرکت بیش از سیصد نفر از مربیان مدارس استان بوشهر از شهرستانهای بوشهر، دشتی و دشتستان برگزار گردید. در این دوره که با حضور استادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور از جمله دکتر منصوری، دکتر علی قادری و دکتر علی شکوهی برگزار شد، مربیان پرورشی به فراگیری آموزشهای سیاسی روز، ولایت فقیه، امنیت خارجی و داخلی و نظام بین‌المللی پرداختند. لازم به ذکر است که سومین مرحله این طرح در اسفند ماه سالجاری برگزار خواهد شد.

عضویت ۱۳ زن در هیئتهای اجرایی انتخابات شوراها در استان بوشهر

سرپرست ستاد انتخابات استان بوشهر گفت: با انتخاب شدن اعضای هیئتهای اجرایی استان، ۱۳ نفر از اعضای این هیئتها را زنان تشکیل می‌دهند.
اردشیر محمدی افزود: از این تعداد ۸ نفر به عنوان اعضای علی‌البدل هستند.
وی تعداد اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت اجرایی انتخابات استان را ۳۹۲ اعلام کرد.
محمدی‌باغملائی گفت: هم‌اکنون در ۸ شهرستان و ۱۶ بخش هیئتهای اجرایی و نظارت تشکیل و آغاز به کار کرده است.
وی یادآور شد: به جز دو نفر از معتمدان شهرستان بوشهر همه افراد معرفی شده توسط هیئت نظارت بر انتخابات استان تائید شده‌اند.
وی اضافه کرد: این دو نفر به دلیل عدم شناخت آنان توسط هیئت نظارت رد صلاحیت شده‌اند.
محمدی‌باغملائی گفت: تعداد ۹۱ نفر به عنوان اعضای هیئت نظارت بر اجرای انتخابات ناظر خواهند بود.

جلسه ناموفق انجمن اسلامی معلمان در خورموج

شنیده می‌شود که نمایندگان انجمن اسلامی معلمان استان بوشهر در جلسه‌ای در خورموج قصد داشته‌اند نمایندگان خود را به عنوان اعضای هیئت مدیره انجمن اسلامی این شهر معرفی نمایند ولی گویا به دلیل اینکه همه منتصبین از دبیران دبیرستان بوده و بقیه فرهنگیان نادیده گرفته شده بودند این جلسه به نتیجه نرسیده است.

پیام هامون، جانشین توس مشهد شد

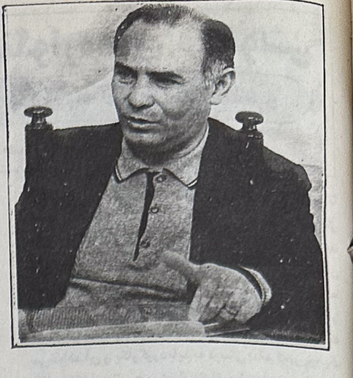
در هفته‌های اخیر، دکه‌های مطبوعاتی پذیرا و عرضه‌کننده هفته‌نامه جدیدی به نام پیام هامون بودند، مطالعه شناسنامه و درونمایه پیام هامون بیانگر این است که نشریه مذکور بوسیله دست‌اندرکاران و نویسندگان هفته‌نامه سابق توس چاپ مشهد با همان اصول و خط مشی و با همان سبک صفحه‌آرائی منتشر می‌گردد.
پیام هامون که روزهای دوشنبه هر هفته منتشر می‌گردد در چهارمین شماره خود (دوشنبه ۷ دی ماه)، از جمله حاوی مطالب زیر بود.
از ادبیات تهاجمی تا شهروند یک و دو، گفتگو با دکتر توسلی و دکتر زیباکلام./ مطلبی از مهندس بازرگان در ستون «هوای تازه»/ رفع ممنوعیت چاپ برخی از آثار دکتر شریعتی، تحت عنوان پس از هیجده سال مطلبی درباره / رابطه دین و دموکراسی از دکتر سروش./ روشنفکری دینی از علیرضا علوی‌تبار / جایگاه نظام شوراها در جامعه مدنی از مهندس اصغرزاده./ گزارش چند مقاله از محمد مختاری و نیز مطالبی درمورد تراژدی کشتار برخی نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور، تحت عنوان پرواز را به خاطر بسپار، پرنده رفتنی است.
نسیم‌جنوب حضور پیام هامون را در جمع مطبوعات کشور خوش‌آمد گفته و برای دست‌اندرکاران و نویسندگان آن جهت کمک به تحقق آزادی، عدالت و سرفرازی میهن‌اسلامی، آرزوی موفقیت می‌نماید.

افزایش صادرات از گمرک گناوه

به گفته ناظر گمرکهای فارس و بوشهر در نه ماه اول سالجاری ۲ هزار و ۸۲۱ تن کالای غیرنفتی از گمرک بندر گناوه به مقصد کشورهای قطر و کویت صادر شد.
وی افزود: این میزان کالا که دو میلیون و ۵۷۶ هزار ۸۵۸ دلار ارزش ارزی داشته اغلب مواد غذایی، نخود، تره‌بار، میوه، انواع مصالح ساختمانی و معدنی بوده است.
عسکری افزود: میزان صادرات کالاهای یاد شده نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزنی ۶۶درصد و از لحاظ ارزش ۱۵۰درصد افزایش نشان می‌دهد. وی گفت که در این مدت از محل گمرک گناوه ۸۱۰ تن کالا به ارزش یک میلیون و ۱۲۰ هزار و ۴۵۴ دلار ارز وارد شده است.

نمایشگاه محصولات کشاورزی در دشتی

به مناسبت هفته کشاورزی نمایشگاه محصولات کشاورزی شهرستان دشتی برپا شد.
در این نمایشگاه محصولات کشاورزی، صنایع دستی روستائی، وسایل و دستگاههای مکانیزه کشاورزی به نمایش گذاشته شده است. مدیر کشاورزی شهرستان: دشتی هدف از برپایی این نمایشگاه را ترویج و توسعه فعالیتهای انجام شده در بخشهای زراعت، باغبانی، آب و خاک، مکانیزاسیون و صنایع دستی و روستائی ذکر کرد. وی گفت: «امسال به رغم خشکسالی و نباریدن باران ... هزار و ۵۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی این منطقه زیرکشت ... محوری گندم آبی قرار گرفته است.»



مصاحبه با دکتر منصور وثوقی، جامعه شناس و استاد دشتستانی دانشگاه تهران

مشکل ما مشکل اجتماعی و فرهنگی و ضعف مدیریت است.

□ لطفاً مختصری از شرح زندگی خود را توضیح دهید؟

● بنده در سال ۱۳۲۰ در برازجان، مرکز منطقه دشتستان از توابع استان بوشهر متولد شدم. تحصیلات خود را در رشته علوم اجتماعی در دانشگاه شیراز ادامه دادم و سپس فوق‌لیسانس را در دانشگاه تهران گذراندم و در سال ۱۹۷۴ موفق به اخذ درجه دکتری در جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن پاریس شدم. همچنین اینجانب در سال ۱۳۴۰ بعنوان آموزگار و سپس دبیر به امر تدریس مشغول بودم و در سال ۱۳۴۷ بعنوان محقق یا کارشناس تحقیق در «مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران» به فعالیت پرداختم و پس از اخذ دکتری از سال ۱۳۵۴ بعنوان عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول بوده‌ام و در حال حاضر بعنوان دانشیار در این دانشکده فعالیت می‌کنم.

□ زمینهٔ تخصصی مطالعات شما چیست؟

● مطالعات و تحقیقات من بیشتر در زمینه جامعه‌شناسی روستائی و بررسی‌های منطقه‌ای در گروه روستایی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بوده است و در زمینه بررسی اقتصادی ـ اجتماعی در استانهای مختلف به کار تحقیقی پرداخته‌ام. بعنوان نمونه در سال ۱۳۷۱ در دانشگاه تهران تحقیقی با عنوان «بررسی مسائل و مشکلات ناشی از پراکندگی زمین در اراک» داشتم که موفق به کسب بهترین جایزه در زمینه تحقیقات در آن سال شد. همچنین چند سال رئیس بخش تحقیقات روستائی مرکز مطالعات و تحقیقات دانشکدهٔ علوم اجتماعی بودم و دو دوره مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و یکسال معاون مالی و اداری و یکسال معاون آموزشی دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه تهران بودم.

برخی از تألیفات بنده عبارتند از «مبانی جامعه‌شناسی»، «تغییرات اجتماعی» و «جامعه‌شناسی روستایی».

□ آیا در زمینه مسائل روستایی استان بوشهر مطالعات و تحقیقاتی داشته‌اید؟

● در این زمینه مطالعهٔ بخصوصی نداشته‌ام ولی هرگاه لازم باشد و زمینهٔ همکاری فراهم شود حاضر به فعالیت و همکاری با مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در استان هستم.

□ به نظر شما ویژگیها و مشخصات زندگی روستایی در بوشهر چیست؟

● یکی از ویژگیهای بارز زندگی روستائیان در بوشهر، سخت‌کوشی روستائیان است که در بدترین شرایط آب و هوایی و در گرمای طاقت‌فرسا به کار نخلداری مشغولند و کار نخلداری خود کار مشکلی است. روستائیان در گذشته زیر سیطرهٔ خان بوده‌اند و خانها در گذشته قدرت و نفوذ بی‌حد و حصری داشته‌اند، این نوع نظام سنتی روستایی در استان تاحدودی شباهت به نظام فئودالی غرب داشته است. من در کتاب «جامعه‌شناسی روستایی» از آن به عنوان نظام غارس مالکی یادکرده‌ام. مردم این استان مردمی سلحشور بوده‌اند و این خطه مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار داشته است و همواره از مرز و بوم خود حفظ و حراست کرده‌اند. منطقه جنوب در طول تاریخ، منطقهٔ محرومی بوده است. حتی زمانی که امکان آبادانی و پیشرفت برای تمام مناطق فراهم می‌شده است، غالباً فراموش می‌شده است. به همین دلیل جا دارد که نیازهای این استان در نظر گرفته شود و با ایجاد مراکز آموزشی، سدها، تأسیسات راه و بطور کلی سرمایه‌گذاری اقتصادی و اجتماعی بیشتر، زمینه رشد و توسعه این استان بیشتر فراهم شود.

□ چه وجه تشابهی بین نظام غارس و مالکی در جنوب و نظام فئودالی در غرب وجود داشته است؟

منطقه جنوب در طول تاریخ، منطقهٔ محرومی بوده است. حتی زمانی که امکان آبادانی و پیشرفت برای تمام مناطق فراهم می‌شده است، غالباً فراموش می‌شده است.

● در منطقه دشتستان قرارداد مالک و رعیتی کتبی بوده و این شبیه نظام فئودالی در غرب است که جریان داشته است. از طرفی جنوب منطقه مهجور و دور افتاده‌ای بود و مرکز سلطه کمتری داشت و حتی اصلاً از وضعیت جنوب آگاه نبودند تا آن که حتی از حماسهٔ بزرگ جنوب (قیام رئیسعلی) زمانی خبردار شدند که فیلم آن ساخته شد و به نمایش گذاشته شد. مهجور بودن این منطقه سبب شد که خوانین پا گرفته و قدرتی بهم بزنند و نظام ارباب رعیتی خاص خود را بوجود بیاورند.

امروزه یکی از علل عقب‌ماندگی استان بوشهر، همین دور بودن از مرکز است. همچنین میزان مهاجرت به مرکز در مقایسه با مناطق دیگر بسیار کمتر است و این سبب شده است که کمتر بتوانند از منافع استان در مرکز دفاع کنند. همچنین عدم فعالیت وکلا و نمایندگان بحد کافی خود مزید بر علت شده است.

□ چه طرحها و پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت استان و بخصوص روستائیان به نظرتان می‌رسد؟

امروزه یکی از علل عقب‌ماندگی استان بوشهر، دور بودن از مرکز است. همچنین میزان مهاجرت به مرکز بسیار کم است و این سبب شده که کمتر بتوانند از منافع استان در مرکز دفاع کنند. همچنین عدم فعالیت وکلا و نمایندگان بحد کافی خود مزید بر علت شده است.

● ابتدا بهتر است در زمینه آمایش سرزمین در استان بوشهر طرحی جامع اجرا شود که به کمک این طرح استعدادهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، توریستی، معادن و... شناسایی شود و سپس با توجه به این امر به ایجاد اشتغال در استان اقدام شود.

یکی از زمینه‌های بسیار مساعد توسعه اقتصاد روستایی در استان، خرما و مسئله بسته‌بندی آن است. چنانچه در زمینهٔ بسته‌بندی بهبود قابل توجهی صورت گیرد، با صدور آن می‌توان درآمد قابل ملاحظه‌ای برای استان بدست آورد. امروزه می‌بینیم که برخی کشورها مانند الجزایر و مراکش با بسته‌بندی خرما بازار آن را در کشورهای اروپائی بدست آورده‌اند. همچنین باید نسبت به صدور خرما تسهیلاتی برای کشاورزان قائل شد و خرما بگونه‌ای صادر شود که مورد قبول کشورهای دیگر قرار بگیرد. ایجاد صنایع روستائی و اقداماتی برای توسعه در روستاها هم می‌تواند روند مهاجرت آنها به شهر را کاهش دهد.

یکی دیگر از زمینه‌های توسعه استان بوشهر قابلیتها توریستی آن می‌باشد. وضعیت آب و هوایی استان بگونه‌ای است که در زمستان بهار را با همهٔ طراوت و سرسبزی آن می‌توان مشاهده کرد. مناظر زیبا و سرسبز نخلستانها و دامنه صحرا و دشت می‌تواند یکی از مناطقی باشد که باعث جذب توریست شود همچنین استفاده از سواحل و راه‌اندازی قایقرانی و دیگر امکانات تفریحی در کنار ساحل موجب جذب توریست به استان و ایجاد منبع درآمد عمده‌ای برای آنجا می‌شود.

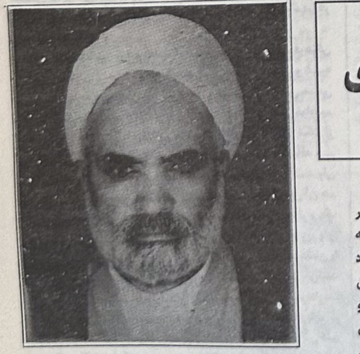
□ با توجه به اینکه یکی از مسائل حساس و حاد کنونی کشور مسئله اقتصادی است، وضعیت کنونی اقتصادی کشور را چگونه تحلیل می‌کنید؟

● به نظر من یکی از علل عمدهٔ مشکل اقتصادی کشور وجود نقدینگی فراوان در دست بخش خصوصی است. میزان نقدینگی موجود در بخش خصوصی در دوران جنگ رقمی در حدود شش هزار میلیارد تومان بود که پس از جنگ به ۸ هزار میلیارد تومان رسید و اکنون گفته می‌شود بالای ده هزار تا پانزده هزار میلیارد تومان است. این میزان نقدینگی خود یکی از مشکلات اقتصادی دولت است. که برای جذب آن باید چاره‌ای اندیشیده شود. متأسفانه چنین میزان نقدینگی نه در کارهای تولیدی بلکه غالباً در امور واسطه‌گری به جریان می‌افتد و مشکلات اقتصادی جامعه را حادتر می‌کند. باید راه‌حل عاجلی اندیشیده شود که نقدینه داران بزرگ در بخش تولیدات و خدمات و راه‌سازی بکار رفته و بدین وسیله ایجاد اشتغال داشته و جلو تورم گرفته شود. ریشه این افزایش نقدینگی هم تاریخی است. عدم ثبات سیاسی و حکومتهای جابر گذشته گرایش به سمت جمع کردن نقدینگی سوق آن بسوی سوداگری را بوجود آورده است. در گذشته به دلیل بی‌ثباتی نقدینگی زیر خاک مدفون می‌شده است و امروزه این تفکر در مردم هست و تاکنون حرکت مؤثری به سوی سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی از طرف بخش خصوصی نداشته‌ایم. یکی از اهداف و برنامه‌های دولت باید این باشد که با ایجاد اعتماد در صاحبان این نقدینگی و وضع قوانین برای پشتگرمی و حمایت از آنها و همچنین ایجاد امنیت اقتصادی، نقدینگی در دست آنها را به سمت سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بخش کشاورزی و صنعت سوق دهد و این کار مدیریت صحیح می‌طلبد. اگر مدیریت کشور به طرز صحیح انجام می‌شد، بجای سرمایه‌گذاری در ساختن برجهای عظیم، می‌توانستیم این نقدینگی را در توسعه و عمران مناطق مختلف مملکت خرج کنیم. باید راه‌حل قانونی وضع شود تا صاحبان نقدینگی تشویق به سرمایه‌گذاری شوند. به عنوان پیشنهاد می‌توان به سرمایه‌گذاران در مناطق محروم امتیاز داد. دولت می‌تواند با معاف کردن مالیات مثلاً برای ده سال، سرمایه‌گذاران را تشویق کند تا در زمینه صنعت و راه‌سازی و احداث خط آهن برقی سرمایه‌گذاری کنند و درآمد حاصل از آن را خود بدست آورند. اینگونه کارها هم توسعهٔ زیربنائی است و هم راهی است برای سوق دادن نقدینگی به سمت امور تولیدی و خدماتی. حتی می‌توان از ایرانیانی که در خارج از کشور هستند و قادر به سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها هستند هم کمک گرفت. در این صورت حتی اگر نفت کمتر به فروش رسد مشکل اقتصادی نخواهیم داشت.

در نهایت باید گفت با وجود داشتن مملکتی که امکانات طبیعی و جغرافیایی و معادن و استعدادهای بالقوه در مناطق مختلف و موقعیت استراتژیک در اختیار دارد، مشکل اقتصادی نداریم بلکه مشکل ما مشکل اجتماعی و فرهنگی و ضعف مدیریت است.

حجة‌السلام شیخ محمد صداقت:

اسلام برای همه ابعاد فطری و غریزی نوجوانان و جوانان برنامه دارد



□ نخستین سوال ما درباره جوانان است. در دین اسلام چه توجهات خاصی به جوانان شده است؟

● مکتب اسلام در برنامه تربیت نسل جوان از جهشهای مذهبی و تمایلات دینی که در بحران بلوغ بطور طبیعی در نهاد نوجوانان و جوانان پدیدار می‌شود حداکثر استفاده را می‌نماید. اسلام آن فرصت کوتاه را مغتنم شمرده و آن را سرفصل کتاب تربیت جوانان قرار می‌دهد و از این راه عالیترین و پاکترین تربیت را در ضمیر آنان پایه‌گذاری می‌کند. اسلام برنامهٔ پرورش ایمان و اخلاق را که یکی از ارکان اساسی تربیت جوانان است بر طبق خواهش فطری آنان بر اساس عرضه و تقاضا تنظیم نموده است و بدون فوت وقت تعالیم دینی را به آنان عرضه می‌کند و جوانان را به فراگرفتن قرآن شریف و مقررات اسلامی و انجام وظایف بندگی و خودداری از گناهان و اطاعت از اوامر الهی موظف می‌سازد و دراینباره روایات بسیاری آمده که در حدیثی امام صادق می‌فرمایند کسی که تلاوت قرآن می‌کند اگر جوان و باایمان باشد قرآن با گوشت و خونش آمیخته می‌شود و بر همه بدنش اثر می‌گذارد.

□ آیا در اسلام فقط به محدود کردن غرائز جوانان توجه شده و یا اینکه برای جوابگوئی به مسائل خاص دوران جوانی نیز توجه شده است؟

● همین طور که در سؤال قبل عرض کردم اسلام برای همه ابعاد فطری و غریزی نوجوانان و جوانان برنامه دارد که یکی از آنها کنترل غرائز و محدود نمودن آنها است که اگر اقدام نگردد انسانیت انسان به خطر افتاده و ریشه‌کن خواهد شد.

□ چنانچه می‌دانید از جمله مسائل مهم دوران جوانی ازدواج است شما چه پیشنهادهائی برای مشکلات و مسائلی بسیاری که اکنون در سر راه ازدواج جوانان قرار دارد و باعث می‌شود تا ازدواج جوانان به تأخیر صورت پذیرد، دارید؟

● اسلام همانطورهم در رابطه با اهمیت ازدواج در آیات و روایات تأکید کرده است که در جائی می‌فرماید انسان با ازدواج نصف دین خود را حفظ می‌نماید، نصف دیگر خود مواظب باشد برای حفظ آن. برای رفع مشکلات سر راه ازدواج نیز خصوصیاتی و مسائلی سفارش داده است، هم به پدرها و مادرها که یکی از وظایف و حقی که فرزند جوان به عهده پدر دارد فراهم نمودن مقدمات ازدواج فرزند است که سعی کند امکانات را تهیه دیده و زمینه زندگی مشترک فرزندش فراهم سازد و هم به کل جامعه و انسان‌های مؤمن و متعبد خطاب دارد که زمینه ازدواج دو نفر را بوجود بیاورند تا به آن ثواب‌های عظیم برسند. امام کاظم (ع) می‌فرمایند سه نفرند که در روز قیامت زیر سایه عرش خدا هستند روزی که هیچ سایه‌ای غیر از سایهٔ خدا نیست یکی از این سه نفر مردی است که برادر مسلمانش را به ازدواج برساند.

□ از جمله مسائل ازدواج بین جوانان مسئله شناخت آنان از همدیگر است چنانچه ملاحظه دارید تا این شناخت حاصل نیابد ازدواجی موفق صورت نمی‌پذیرد، اما با توجه به محدودیتهای کنونی ارتباط بین پسران و دختران و جداسازی آنان در اکثر موارد زندگی چگونه پسران و دخترانی که مایل به ازدواج هستند می‌توانند از همدیگر شناخت حاصل نمایند و چه راه‌حلهائی را برای آشنائی بیشتر پسران و دختران مایل به ازدواج با همدیگر پیشنهاد می‌کنید؟



● همانطور که در سؤال گفته شد، مسئله شناخت دختر و پسر از همدیگر بسیار مهم است و از طرف دین روی این قضیه سفارش بسیار شده است، مثلاً اسلام، خطاب به پیروان خود مخصوصاً جوانان که با دختری ازدواج کنید که تربیت و اخلاق خوبی داشته و از طرفی متدین به دین الهی و اسلام باشد و مبادا دختری را برای ثروتش یا جمالش بدون توجه به اخلاق و دینش انتخاب کنید که با مشکلات مواجه خواهید شد ولی اگر بخاطر دینش انتخاب کردید مال و جمال را بهمراه می‌آورد و در اسلام برای شناخت بیشتر و انتخاب موفق دستورالعمل‌هائی آمده که بسیار است و اینجا فقط اشاره‌ای خواهم نمود:

مثلاً در اسلام کسی که قصد دارد با دختری ازدواج کند جائز است به او نگاه کند البته قصد لذت بردن نباشد و به صورت و دو کف دست و مو و نیکوئی‌های او اکتفا کند که دستورالعمل‌های ازدواج در کتب دینی پی ببرند که اسلام درخصوص ازدواج و انتخاب دختر شایسته چه دستورالعملهائی دارد.

□ امروز متاسفانه یکی از مشکلات ازدواج دختران و پسران، انتظارات نامعقول برخی از خانواده‌ها است، از طرفی خانواده‌ها انتظار دارند که در همان اول زندگی مشترک فرزندانشان، وسایل آسایش زندگی برای آنان فراهم باشد و از سوئی با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی جوانان، این امر امکان پذیر نمی‌باشد. نظر شما در اینباره چیست و چه توصیه‌هائی به خانواده‌ها دارید؟

● در جواب این سؤال همانطور که در اسلام آمده در امر ازدواج خداوند آنها را بی‌نیاز می‌گرداند اگر پدران و مادران و همچنین مسئولان جامعه و بخصوص ثروتمندان توجه به اهمیت ازدواج جوانان و همچنین ثوابهائی که برای این مسئله منظور شده می‌نمودند مشکلات از پیش پای جوانان برای ازدواج قطعاً برداشته می‌شد.

□ آیا در ارتباط با ابراز شادمانی در عروسی و برپائی مراسمات شادی در هنگام عروسی، ممنوعیتی از سوی دین وجود دارد؟

● اسلام برای نفس شادی کردن در مجالس عروسی و ابراز شادمانی ممنوعیت خاصی را بیان نکرده است. اسلام مسئله حلال و حرام را ملاک قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که مسلمانان مرتکب گناه نگردند در هر موقعیتی که قرار گرفته‌اید و در این مجالس از شادیهای حلال استفادهٔ نمائید و یکی از مسائلی که در اسلام سفارش شده در این مجالس مسائل به اختلاط است که خدای ناکرده مردان و زنان نامحرم در یک محل خاصی گرد هم نیایند، بلکه مجلس جداگانه ترتیب دهند.

مهدی عندلیبی، موسیقیدان برجسته بوشهری:

دلیل فاصله گرفتن از شهرم، بی‌مهری مسئولین فرهنگی و هنری بوشهر بود



مهدی عندلیبی یکی از هنرمندان جوان و با استعداد بوشهر است که به تازگی کاست موسیقی را به نام «دیار عشق» به علاقمندان موسیقی عرضه داشته که مورد استقبال عموم قرار گرفته است. این کاست اولین کاست از هنرمندان موسیقی کلاسیک این دیار است. مهدی عندلیبی در ساخت موسیقی فیلم نیز فعالیتهای قابل توجهی دارد. او متولد سال ۱۳۵۱ می‌باشد و اکنون در شهر اصفهان ساکن است و موسیقی را بصورت حرفه‌ای در تهران دنبال می‌کند. با وی گفتگوئی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید:

□ جناب عندلیبی انتشار اولین اثر شما را تبریک می‌گوئیم و با طرح سؤالی پیرامون این کاست گفتگوی خودمان را شروع می‌کنیم. شما در چند قطعه از اثر دیار عشق سازهای ضربی ایرانی‌ای چون دف و نقاره را به جای بعضی از سازهای ضربی موسیقی پاپ کلاسیک به کار برده‌اید یکی از سؤالهایی که مطرح است این است که انگیزه استفادهٔ شما از سازهای ایرانی آن هم در بیشتر مواقع با فیگورها و خصوصیت موسیقی غرب چه بوده است؟

● از توجه شما متشکرم ولی هدف من بیشتر یک رنگ‌آمیزی بوده است تا به کمک آن بتوانم ایرانی بودنم را ثابت کنم طوری که اگر یک خارجی به اثر من گوش دهد متوجه ایرانی و ایرانی بودن من بشود و تمام سعی خودم را انجام داده‌ام تا به این نتیجه برسم.

□ بله واقعاً کار شما نماینده احساس شما است. خوب اگر ممکن است بگوئید که از چند سالگی به این موسیقی روی آوردید و مشوق شما چه کسی بوده و زیر نظر چه اساتیدی موسیقی را تجربه کرده‌اید؟

● من از ۵ سالگی در کنار مرحوم پدرم و به تشویق او کارم را شروع کردم و از محضر استاد کامبیز روشن‌روان در تنظیم ارکسترال موسیقی کلاسیک بهره برده‌ام. همینگونه از استاد گرامی آقای محمدرضا درویشی در تئوری موسیقی و از استاد و دوست گرامیم آقای ناصر چشم‌آذر هم در آموزش هارمونی و تکنیک کیبور دنوازی و کمپوزیسیون نهایت استفاده را نموده‌ام.

□ شما در زمینه ساخت موسیقی فیلم نیز فعالیت دارید لطفاً برای آشنائی خوانندگان نسیم‌جنوب بفرمائید ساخت موسیقی چه فیلمهای را انجام داده‌اید؟

● از جمله فیلمهایی که برای آنها موسیقی ساخته‌ام: سیراف، انتظار، گمنامان زمین، نام‌آوران آسمان، خورشید برای آینده خلیج‌فارس، پشت پر، قلعهٔ زائر خضرخان، امامزاده مهیمن، جنگل سرا، صید ماهی مرکب و صید ماهی با تور بوده‌اند که اکثر آنهاکاری از استاد حسین صافی می‌باشد که برای شبکه سراسری کار شده است.

□ شما مدتی در بوشهر فعالیت داشته‌اید چرا اکنون در بوشهر کار موسیقی نمی‌کنید؟

● دلیل اینکه از شهر خودم فاصله گرفتم بی‌مهری مسئولین فرهنگی و هنری بوشهر، از صدا و سیما گرفته تا ارشاد اسلامی و غیره می‌باشد. آنها به هنرمندان بها نمی‌دهند و در هر شرایطی سعی می‌کنند هنرمندان این خطه را بایکوت کنند. ما نمی‌خواهیم توانمندیهای خودمان را بپذیریم مثلاً برای آقای ... که قرار است از فلان جا بیاید میلیونها تومان سرمایه‌گذاری می‌کنند و قیافه هم می‌گیرند که فلان شخص را دعوت کرده‌ایم موسیقی اجرا کند ولی برای هنرمندان خودمان حاضر نیستند تنها چند هزار تومان آن هم در حدی که فقط نان شبی برای آنها شود بدهند. بله آقا هزار و یک حرف و درد دل است، حالا اینجا چه کار کنم؟ تا فعالیت کردم زیر پای من را خالی کردند و درست همان کسانی که در این شهر خودشان را والی هنر می‌دانندومتاسفانه روز به‌روزدراین سمت پیشرفت می‌کنند.

□ در پایان چه صحبتی با هنرمندان رشته موسیقی در بوشهر دارید؟

● صحبت من با هنرمندان محبوب این رشته این است که باید در عرصهٔ هنر، کار کرد نه حرف، باید برای بالا بردن خودمان تلاش کنیم نه اینکه دیگران را بکوبیم. من بین بچه‌های بوشهر کمتر این موارد را دیده‌ام. ولی چندی پیش مصاحبهٔ یکی از گروههای موسیقی بوشهر را در یکی از نشریه‌ها خوانده‌ام و خیلی متأسف شدم. آنها بدون هیچ اطلاعی در موسیقی بوشهر قضاوت کرده بودند و حرفهایی را زده بودند که به خیال خودشان خیلی فنی هستند و دیگران هیچ، آقایان سازهای بوشهری را که خاص اجرای ملودیهای بوشهر است در اجرای ملودیهای بومی بوشهر ناتوان دانسته بودند و یا گفته بودند چرا ما در موسیقی به اصطلاح سنتی ایران همانند دیگر مناطق نیستیم و باید آهنگهای بوشهر را وارد دستگاه کرد. این آقایان کم وسعت بودن دستگاه را به گردن کم‌کاری هنرمندان زحمتکش این دیار گذاشته‌اند. درواقع این آقایان با اینگونه حرفها، هنرمندان محلی را نسبت به موسیقی مدرنشان تضعیف میکنند با این طرز تفکر که به وسیله ساز نی‌انبان سمفونی ۵ بتهوون را باید زد و در غیراینصورت ناتوان است و تمام موسیقی‌های دنیا را باید به هم‌ردیفهای سنتی ایران ببینیم و غیر از آن موسیقیها ضعیف هستند و باید کار کنند.

اینها را گفتم و می‌خواستم بگویم آقایان تا کی می‌خواهید با این نمونه حرفها، خودتان را برتر و فنی جلوه دهید در حالیکه هیچگونه اطلاع علمی درخصوص موسیقی ندارید. بیائید و کار کنیم با توجه به اینکه تمام ارکسترهای سنتی در استانهای کشور در بازار نوار کار عرضه کرده‌اند ولی هنوز ارکستر سنتی بوشهر به طور رسمی کاستی را به بازار نوار ارائه نداده است.

چالش بنیادین در سنگواره‌های فراموشی

به بهانه نمایش «اژدهاک» از بهرام بیضایی به کارگردانی حیدر مظفری

احمد آرام

ای شب، تو سیاهتر از هر شبِ دیگری.
و دلی دیدم سیاهتر از سیاهی تو.

«اژدهاک»

یکی از موارد باارزش به صحنه کشیدن آثار بهرام بیضایی، ایجاد فضای گفتمان بین بازیگران با متن و متن با تماشاگر است، که از این برقراری ارتباط، آنچه هنرهای نمایشی گویند، به درستی ابلاغ می‌شود.

خالق چنین فضایی، که زیر باران واژگان اساطیری، خَرَد و روشنایی را تقسیم می‌کند، به درستی می‌داند که کارکرد هر واژه در حیطهٔ فرهنگ گمشدهٔ هر قوم، ره یافتن به دوره آغازین یک ارتباط کهن است.

گوناگونی این ارتباط از واژه به بازیگر و ابلاغ آن به تماشاگر، جلوه‌های زیرساخت و روساخت متن نمایشی را بر ما عیان می‌سازد. هرگاه متنی این چنین بتواند فاصله‌ها را کاهش دهد و زبان گفتاری را، تا آنجا پیش برد که خاصیت موسیقیایی کلام، ما را به کشف داشتهای خود بکشاند، این خواست دوجانبه (از سوی تماشاگر و متن) سویه‌های دیگری از ارتباط، در جانِ نمایش زنده می‌سازد که این نوعی آزمایش باتجربه در تئاتر «آوان گارد» است تا تماشاگر با متن و بازیگر یکی شود.

□

جامعه‌ای که بعد از قرن نوزده رویکرد به مدرنیته را آغاز دوران شگفت‌انگیز کشفِ دانسته‌های جدید در تقابل با سنت‌گرائی عهد عتیق دانسته است، برای به پایان رساندن سده‌ی اردوگاه‌ها، جنگهای جهانی، سلاحهای هسته‌ای، ویرانی محیط زیست و ناکامی‌های انقلابهای مردمی، چاره‌ای جز این نمی‌داند که هنر در طیف وسیع آموزه‌های خود، نظریه انتقادی ابلاغ نماید و مدرنیسم به کمک ابزار گوناگون بیان، راه‌کارهای رسیدن به معنا را تجربه کند. بنیانِ کار فکری در پایان این سده و راه‌گشایی هنر مدرن در جوار موقعیت نقادی علم و تکنولوژی، باید باز یافت خوانش مجدد مکاتب فلسفی را تا آنجا گسترش دهد که جایگاه انسان و اسطوره، در پایان این قرن، مشخص گردد و منش اعتراض او را دامن زند. بدین منظور در حیطهٔ نیازهای معنوی بشر امروزی و با اتکاء به ابزار نوین ارتباطی، باید چشم‌انداز رفیعی مهیا گردد تا ما بتوانیم از پس خوابی چند هزار ساله، واگویه اژدهاک را، در پایان این قرن، دریابیم و این آوای کهن را به دوران پسامدرنیسم بکشانیم.

□

زایش «اژدهاک» در سدهٔ مصائب دگرکُشی و پایان ارزشهای سخنوری در جهت تعالی بخشیدن به همصدایی‌ها و همگونی‌های اجتماعی، تلنگری‌ست به سلسله اعصاب مخاطب تا از این طریق به بیداری وجدان و سلامت اندیشه برسد. دریافت ما از فضای وهم‌انگیز این نمایش و شناخت قدرتهای سرکوبگری که در فراشد اعمال فیزیکی‌ایشان، تاریخ چندهزار ساله ستم و تباهی را تکرار می‌کنند، همانا بازشناخت سرگردانی انسان در هاله‌ای از ترس و سیاهی است که خالق اژدهاک به این مهم با فرهیختگی پرداخته است. در نمایش اژدهاک، پیچیدگی زبان گفتاری با تکنیک بازنویسی پارسی‌گوئی، تماشاگر را با مفاهیم تازه‌ای از اندازه‌های مناسب موسیقی کلام مواجه می‌سازد. از این طریق «عرب‌زدایی» واژگان، فضایی اصیل را در مقابل ما می‌گستراند که دال بر معرفت نویسنده و کنکاش او در فرهنگ و ادب پارسی است. بدین منظور بهرام بیضایی در ریشه‌یابی واژگان پارسی و کاربرد آن در دوران معاصر، انسان را به تجسس بیشتر در شناخت ماهیت ایرانی خود وامیدارد. نمایشی کردن واژگان فراموش شدهٔ کهن و دراماتیزه کردن افسانه‌ها و آئین‌های ایرانی، نویددهنده آن است که ما در آینده‌ای نزدیک با اتکاء به گنجینه هنرهای نمایشی، صاحب تئاتری ملی و میهنی بشویم. نمایشنامه اژدهاک، در اصل برای یک برخوان بر اساس تکنیک تک پرسوناژی نوشته شده است و بیضایی به مدد فن نقالی، آرایندهٔ کلام پارسی با محتوایی تصویری است. گاه می‌شود که از پسِ «تاریخ بیهقی» کلام ابوالفضل بیهقی را می‌شنویم که در بافت نوشتاری با واژگان دوران معاصر محشور می‌شوند و نثر نمایشنامه با سویه‌های مدرن نوشتاری هماهنگی می‌یابد. گرچه نباید از زبان «شاهنامه ابومنصوری» یا «تفسیر طبری» غافل ماند، که تمامی این متون ارزشمند در زیرساخت اغلب آثار نمایشی او تأثیر عمده راگذاشته‌اند و محسوس‌تر از همه «سمک‌عیار» و «اسکندر نامه» است که موسیقی زبان گفتاری این متون وارد حیطه‌ای از قصه‌پردازی نو می‌شود و واژه‌های کارساز، به روشن شدن فضای روان‌پریشی انسان معاصر کمک بسیار می‌کند.



اژدهاک، در یازده بند نوشته و تصویر شده است که هر بند مانند تابلوهایی مختلف بهم پیوسته و نقل می‌شود. نقل هر رویداد با گشایش افقهای تازه‌ای همراه است. تماشاگر به مدد شخصیت اسطوره‌ای آن، تاریخ را لمس می‌کند. به گفته بابک احمدی، که: «تاریخ انباشت مصیبتها» ست، از همین طریق مصائب مختلفی راکه بر ما و تاریخ تمدن ما رفته است نمود می‌یابد. اژدهاک به روایت بهرام بیضائی، بازشناخت تازه‌ای است از ضحاک مار دوش که در شاهنامه فردوسی به شفافیت بر آن سخن رفته است. زمانی که اسطوره به بستر آیین‌ها و روایتهای حماسی کشیده می‌شود، از آئینها و افسانه‌های قومی یاری می‌جوید، و اگر اسطوره مشخصه دوران باستان باشد «مقوله‌ایست که معنای آن به تمامی روشن نیست» معهذا وقتی که به دوران معاصر می‌آید، معنای واقعی خود را در میان نمادهای مختلف پیدا می‌کند. به همین دلیل تعاریف مختلفی در حوزه اسطوره‌شناسی پدید آمده که هر کدام از منظری جداگانه منشأ آن را ریشه‌یابی کرده‌اند. زیگموند فروید بر منشأ «ناخودآگاه» آن تأکید می‌ورزید و می‌نویسد: «اساطیر بازمانده خاطرات و توهمات و آرزوهای وازده ملتها و اقوام در حکم رؤیاهای متمادی انسان در دوران جوانی اوست... و به صورت آرزوهای نگفتنی در ناخودآگاه باقی مانده است.» و زنده یاد محمد مختاری در کتاب جامع خود «حماسه در رمز و راز ملی» می‌نویسد: «اسطوره، آمیزه‌ایست از گیتی و خدا و مفهومی است مطلق. چنین پدیده‌ای پیش از آنکه در واقعیت عینی انسان و جهان بگنجد، در ذهن و تصور آدمی سیر می‌کند.» و بدین ترتیب قابلیتهای دراماتیکی آن به جهان دهشتناک امروز می‌آید تا حضور انسان را در عرصه مرگ و زندگی پررنگ سازد و از سویی دیگر ماهیت اساطیری خود را حفظ نماید. رژه باستید می‌نویسد: «می‌توان اساطیر را همچون سنگواره‌هایی تلقی کرد که بر سازمانهای اجتماعی ناپدید گشته گواهی می‌دهند.» زمانی با اسطوره یکی می‌شویم که اسطوره دلیل حضور خود را در دوران معاصر به وضوح بر ما روشن کرده باشد و کسی که می‌خواهد آن را بکار گیرد باید به درستی بداند که بر پایه یک نظام اطلاع‌رسانی درست باید تمام جواب اسطوره را بعنوان «سمبل» یا نمادی اجتماعی وارد حیطه نمایش بکند، تا ما از طریق خوانش دوباره آن به همصدایی و همگونی با آن بپردازیم.

نمایش اژدهاک، در اجرای حیدر مظفری، تقطیع شده بود و فضای یک (برخوان) شکسته شده بود. با توجه به این امر مهم که اساس این نمایش، تاکید بر تکصدایی و تک‌پرسوناژی است، تکنیک نوشتاری نمایشهایی این چنین برخصلتهای تک‌گویی بلند (مونولوگ) توجه خاص دارد. همانگونه که پیش از این اشارت رفت، پردازش این نمایش در حال و هوای نقالی است و اگر تصاویر ذهنی از سوی نقال بر ذهن تماشاگر می‌نشیند، نشانه چیرگی بازیگر در نقل و تکنیک نمایش تک‌گویی است. در نمایش اژدهای مظفری تصاویر ذهنی با تقطیع دیالوگها در بین همسرایان و بازیگران کمکی، به تصاویر عینی راه می‌یابد. در این ارزشهای بازیگری در نمایش تک‌پرسوناژی کاملاً کم می‌شود و ما کوشش گروهی از بازیگران را شاهدیم که زنده کردن تصاویر ذهنی از - نقال - پیشی می‌گیرند، که خواست نویسنده نیست و نخواهد بود. اما بازگویی این امر به کم‌رنگ کردن ارزشهای نمایش منجر نخواهد شد، زیرا جدا از تفکر نویسنده، خلاقیت کارگردان با رعایت نشانه عناصر کارساز نمایشی، اژدهاک را در مسیری دیگر نشان می‌دهد که ایجاد جاذبه‌های نمایشی می‌کند. حضور پادشاه، حضوری دلچسب نبود، ما اگر او را در ذهن نگه می‌داشتیم می‌توانستیم سلطه او را در اعصار مختلف نسبت بخشیم و چه خوب بود اگر ضرورتی در نشان دادن پادشاه احساس می‌شد، این حضور هرگاه توسط یکی از همسرایان اشارتی می‌رفت. زیرا با قرار دادن او، بر بلندی خودبخود ما را به قلمرو شعار گونه نمایش می‌کشاند. استفاده تمام بازیگران از تمامی صحنه با فرمهای مختلف، ستودنی است. کوشش بازیگران در ایجاد هماهنگی در فرمها و همصدایی، نمایش را به لحظات مطلوب می‌رساند گرچه در اواخر نمایش فرمها به تکرار می‌رسند و تازگی خود را از دست می‌دادند معهذا در قطعات مختلف تماشاگر را با خود یکی می‌کردند. در نمایشهایی که موضوعات حماسی دارند بیشتر دارای موسیقی مخصوصی است که از ورای آن فضای نمایش شکلی اسطوره‌ای به خود می‌گیرد. متأسفانه برخورد با این مقوله چندان جدی گرفته نشده و در اغلب نمایشها ضعف آن به بدنه نمایش آسیب می‌زند. در کل می‌توان گفت اژدهاک گامی مثبت در فضای تئاتر بوشهر محسوب می‌شود و هم نگارنده اعتقاد دارد که عوامل این نمایش لیاقت آن را دارند تا کارهایی بزرگتر و در خور توجه انجام دهد. به امید آن روز

موسیقی در نمایش

● سعید احمدی

موسیقی مانند هنرهای دیگر مبین احساسات متنوع است. صحبت از موسیقی، به تنهائی و پرداخت صرف به این هنر در این مختصر نمی‌گنجد.

قصد بر این است که به موسیقی تصویری و موسیقی نمایش بپردازیم. مقوله‌ای که متأسفانه علیرغم اهمیت بسیار زیاد آن، اغلب اهالی تئاتر به عنوان یک شاخه تخصصی به آن نگاه نمی‌کنند، حال آنکه گاه یک موسیقی خوب می‌تواند نمایش ضعیفی را نجات دهد و بالعکس. موسیقی در نمایش می‌تواند به ۵ صورت باشد که عبارتنداز:

۱ـ موسیقی همراه (با آنچه در صحنه می‌گذرد همسو است)
۲ـ موسیقی متضاد (خلاف آنچه در صحنه می‌گذرد عمل می‌کند)
۳ ـ موسیقی جزء نمایش (مثلاً بازیگری طبق متن و بازیش روی صحنه می‌نوازد و یا کاستی را روی ضبط صوت می‌گذارد و روشن می‌کند)
۴ـ موسیقی طبیعی موجود در متن (ریتم، ضرب، وقفه‌های موجود در دیالوگها و اتفاقات نمایش)
۵ ـ موسیقی رنگها، فرمها، حجمها و نورها (هماهنگی میان تمام عناصر بصری نمایش)

از آنچه گفته شد می‌توان پی برد که در نمایش جز در مواردی نادر و ناگزیر نیاز به موسیقی الحاقی* نیست. موسیقی ویتامینی نیست که به نمایش خود تزریق کنیم، بلکه جزئی است جدایی ناپذیر از ذات نمایش.

موسیقی نباید برای جبران ناتوانی بیان صحنه‌ای و سرپوش نهادن بر ضعف کارگردان و بازیگر یا برای پر کردن زمانهای مرده بین پردها بکار گرفته شود. بنابراین کارگردان هوشیار و موفق بیشتر به موسیقی‌های نوع ۳، ۴، ۵ می‌اندیشد و از آنها بهره می‌برد.

عناصر تشکیل‌دهنده صداها:

عناصر تشکیل‌دهنده صداها (از جمله موسیقی) عبارتند از: ریتم، شدت (تمپو)، زیر و بمی. در مورد صدا در نمایش اعم از صدای بازیگران و صدای زمینه‌های (Soundefect) و موسیقی باید توجه داشت که:

الف: دیالوگها نیز چون صدا هستند دارای سه عنصر بالا می‌باشند و



باید کارگردان بازیگرانش را وادار کند که این سه عنصر را در دیالوگهای خود و در هر لحظه از بازی رعایت کنند. به این ترتیب دیالوگها خود جزئی از موسیقی نمایش می‌شوند.

ب: حرکات و حالات بازیگران هم دو عنصر «ریتم» و «شدت» را دارا هستند و پتانسیل موجود در هر حرکت و حالت نیز می‌تواند همان زیر و بمی (آهنگ و ملودی) احساس محسوب شود. بنابراین درک صحیح و تفکیک کردن و رعایت نمودن «ریتم» و «شدت» موسیقی حرکت و احساس ایجاد خواهد کرد که این نیز بخشی از موسیقی نمایش خواهد بود.

ج: رنگها، نورها، فرمها و حجمها درون صحنه نمایش نیز چنانچه هماهنگ و متناسب باشند و اگر کارگردان توانائی شناخت و بکارگیری این سه بخش موسیقی طبیعی موجود در ذات نمایش را داشته باشد، یعنی اگر بتواند هارمونی صحیحی میان تمام عناصر شنیداری و دیداری نمایش خود ایجاد کند، بهترین موسیقی را برای نمایش خود تهیه دیده است. پس از آن اگر جائی برای موسیقی الحاقی بماند استفاده‌اش بجا و مناسب خواهد بود. در اینصورت نیز موسیقی الحاقی باید دارای شرایطی باشد:

۱ـ سنخیت با موضوع و فکر نمایش
۲ـ تطبیق با زمان و مکان نمایش
۳ـ دخالت به موقع در نمایش
۴ـ با حذف آن لطمهٔ جدی به نمایش وارد آید.
۵ـ موسیقی به عنوان یک هنر، آلت دست هنر تئاتر نشود و استقلال و شخصیتش حفظ شود.

برخی از کاربردهای موسیقی در نمایش:

۱ـ بیان یک موقعیت. ۲ـ شناساندن یک شخصیت. ۳ـ ایجاد فضای خاص. ۴ـ بیان یک ایده. ۵ـ بیان آنچه با کلام و حرکت نتوان گفت. ۶ـ افزودن بر قدرت نمایش (نه جبران ناتوانی نمایش) ۷ـ بیان نمادهای تصویری.

● توضیح مهم ـ سکوت یکی از عناصر شنیداری نمایش می‌باشد که بسیار ... می‌باشد در ضمن سکوت بخش مهمی از موسیقی نیز محسوب می‌شود تا جایی که معروف است که می‌گویند: «گاه بهترین موسیقی، سکوت است».

*ـ منظور از موسیقی الحاقی موسیقی است که توسط آهنگساز ساخته می‌شود و به نمایش اضافه می‌شود.

به تکرار غم نیما

«تقدیم به روح بزرگ نیما یوشیج پایه‌گذار شعر نو، فکر نو و دید نو»
به مناسبت سالمرگ نیما یوشیج (۱۳ دی ۱۳۳۸)

● نیما نعیمی - دانشجو

... برساخته‌ام، نهاده کوری
انگشت، که عیبهاست با آن
دارد به عتاب، کور دیگر
پرسش که چراست این، چرا آن

نزدیک به چهار دهه از فقدان ابرمرد معاصر ادبیات و پدر شعر نو می‌گذرد. ابرمردی که تاریخ شعر ایران را به دو قسمت تبدیل نمود. (شعر قبل از نیما و شعر بعد از نیما) نیما به غیر از اینکه فن جدیدی در عرصهٔ ادبیات ارائه نمود، تفکرات و دیدگاههای جدیدی نیز به همراه آن ارائه داد که شاعران پس از وی به‌تبعیت از وی موفقیتهای بزرگی را کسب نمودند. اما با همه این احوال هنوز عظمت این کار عظیم درک نشده است و به قول جاویدانیاد مهدی اخوان ثالث: «... مردمی که هنگام گذشتن از خیابان... کار و رفتارشان را رهامی‌کنند و نیم ساعت به تماشای استخوان‌بندی و کوه پولادین یک کاخ بلند بالا می‌ایستند و از تعجب و شعف نیششان تا بناگوششان باز می‌شود، اما هر کارستانی که نیما یوشیج کرده است حتی لحظه‌ای ایشان را به تأمل سودمند و زاینده وا نمی‌دارد، چه جوان و چه پریشان!...»(۱)

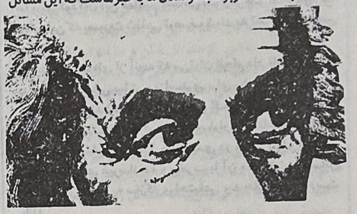
همانطور که از نام «شعر نو» پیداست و شعری «نو» می‌باشد، خواندنش نیز باید «نو» باشد و به سبک و شیوه‌ای دیگر باید خوانده شود. جلال آل احمد می‌گوید: «اولین مشکل دربارهٔ شعر نیما، برای کسانی که با شعر نو آشنا نیستند، طرز خواندن آن است.»(۲)

مشکل دیگر متأسفانه با گذشت این همه سال هنوز هم شاهد آنیم، سنت‌گراهایی هستند که نمی‌خواهند از شعر سنتی و کلاسیک پافراتر بگذراند و به دنیای شعر نو قدم بگذراند، که در اینجا نیز مهدی اخوان ثالث در جوابشان می‌فرماید:... وقتی پای تخیل و خلق شعری و آفرینش هنری در میان باشد، دیگر بیهوده و پرت است و نشنیدنی، چند و چون ماجراجوئیهایی از قبیل آنچه «ادیبچه»های متحجر و بی‌ذوق که روحشان تصلبِ آهنین پیدا کرده است و پای از حدود سنتهای متعارف و سوابق معهود بیرون نمی‌خواهند گذاشت. متحجرانی که مبتلا به «تصلب شرائین روح و ذوق» هستند، که خداشان شفا دهاد، شفا دادنی» (۳)

هر چند که زمان زیادی از تولد شعر نو می‌گذرد ولی هنوز هم آنطور که باید در دل مردم رسوخ نکرده است. شاید باید وقت بیشتری صرف کرد و زمان بیشتری را پشت سر نهاد. نیما می‌گوید: «شما را زمان بوجود آورده است و لازم است که زمان شما را بشناسد.»(۴)

می‌توان گفت که قضاوتی که امروزه مردم نسبت به این شعر دارند (منظور شعر نو است) حاکی از کم‌کاری و بی‌حوصلگی آنهاست. نیما می‌گوید: «اما تاریخ زندگی، اساس قضاوت خود را کهنه نمی‌کند. ما شاهد روزهایی می‌توانیم باشیم هزار بار زنگ‌زده‌تر از این روزهائی که زنگ زده‌اند. کمتر کسی پیدا می‌شود که قضاوت نکردن را به قضاوت از روی بی‌حوصلگی و بی‌علاقگی بهتر بداند.» (۵) حتی در زمان خود نیما نیز قضاوتهایی بی‌جا و بیرحمانه می‌شد و هر کس بر طبق ذوق و سلیقه شخصی قضاوت می‌نمود و ضربه‌ای به پیکر شعر نو می‌زد. می‌گویند شخصی نزد ملک‌الشعرای بهار، یکی از قطعات شعر نیما را قرائت نمود، قبل از اینکه شخص شعر را به پایان برساند، ملک‌الشعرا از او پرسید: «آیا خیال می‌کنید در این قبیل شعرها هنری هم بکار رفته؟»(۶) شاید بتوان گفت که چون آن روزها، روزهای آغازین کار نیما بوده است و هنوز برای مردم و حتی ادبا کار نیما آنطور که باید و شاید تعریف نشده بود، خرده بر آنها کمتر گرفت، اما امروزه، با گذشت زمان بسیار و پشت سرگذاشتن بسیاری از این مشکلات، هنوز هم متأسفانه شاهد برخوردهای گوناگون و سرد هستیم که واقعاً جای بسی شگفتی و تعجب دارد. در زمان خود نیما بیشتر کج‌بینیها و قضاوتهای نادرست را همیشه در مجلات آنروز محافل ادبی آن وقت، زنده‌یاد جلال آل‌احمد پاسخگو بود و به دفاع از نیما می‌پرداخت. ولی خود نیما هیچگاه به این جنجالها روی نیاورد و همیشه سکوت را می‌پسندید. نیما در جایی نسبت به این جنجالها و کشمکشها می‌گوید: «من از هیچکس گله‌مندی ندارم. روی مهربان من به طرف همه است. حتی نسبت به کسانی که نسبت به من خطا قضاوت می‌کنند. من فقط به حال آنها رقّت می‌کنم ثمره صبر جمیل من این است که امیدوارم کسانی که روی زخم من درمانی نمی‌گذارند، روی زخم خودشان درمان گذارده شود...» (۷)

درصورت نداشتن اطلاع و ارتباط نسبت به چیزی خاص، خوب یا بد، نمی‌توانیم شناسائی خود را نسبت به آن بیان کنیم. می‌توانیم با آن برخورد داشته باشیم، اما شناختن آن بطور مسلم، ممکن نیست. ممکن است دنیای ما دنیایی قدیمی باشد که شاید خودمان نتوانیم قدیمی بودن آن را حس و درک کنیم. پس فقط این مائیم که باید نو شویم تا این قدمت سنگین بر ما سنگینی نکند. نو شدن ما مربوط به نو شدن ما با خبرهاست که این مسائل



را برای ما تا حدی روشنتر می‌کند. پس درمی‌یابیم که باید ابتدا نسبت به کاری جدید شناخت و رابطه‌ای داشته باشیم بعد به قضاوت در مورد آن بنشینیم و ایراد بگیریم. نکته قابل توجهی که باید بسیار به آن تأکید نمود، این است که کار نیما با سعی و تلاش بسیار زیادی شکل یافته است. اینطور نیست که شعری را بدون اسلوب گفته باشد. می‌دانیم که قبل از نیما نیز کسانی چون لاهوتی، عشقی و دیگران نیز به سبک غیرکلاسیک و آزاد شعر گفته‌اند ولی نامی از آنها نیست. چون آنها اسلوب و روش، معینی نداشتند که ارائه دهند. اما نیما در روش خود، راهی مشخص را پیمود و هدفش را نیز از قبل تعیین کرده بود که باعث موفقیت او در کارش شد.

نیما می‌گوید: «هیچ چیز نیست که ناگهان تغییر کند. هیچ سنتی هم نیست که ناگهان عوض شود. همینطور هیچ شکل از اشکال هنری وجود ندارد که برای نفوذ خود در مردم، راه ناگهانی را پیدا کند.»(۸)

همزمان با انقلاب شعری نیما در ادبیات ایران، انقلاب شعری دیگری نیز در مغرب زمین صورت گرفت. که این پایه‌گذار، شخصی نیست جز «توماس‌استرنزالیوت» شاعر بزرگ انگلیسی تبار. تفکرات و دیدگاههای نیما و الیوت بسیار به هم نزدیک است. دیدگاهها و تفکراتشان نیز با هم یکسان می‌باشد. هر دو شاعر انقلابی هستند که مسلکی نو را در ادبیات وارد نمودند.

زمانی که نیما نخستین اشعار خود را با اسلوبی و روش جدید انتشار می‌داد، الیوت جوان نیز نام و نشانی برای خود بدست آورده بود. هم الیوت و هم نیما تحت تأثیر جنگ از جامعه دلزده و سرخورده بودند. هر دو از زندگی پرآشوب شهری و تحولات ناگهانی صنعتی به ستوه آمده بودند. اما الیوت با کوله‌باری از تحصیلات فلسفی و تحت تأثیر فلاسفه و شاعران سمبولیست شروع به کار کرده بود و در بحبوحهٔ تحولات در پاریس و لندن می‌زیست در حالیکه نیما، از کوهپایه‌های البرز برخاسته بود و در جنگلهای مازندران به شاعری می‌پرداخت. آنچه الیوت در شعر انگلیسی و نیما در شعر پارسی از خود برجای گذاشتند تنها ساختار نو شعر نبود، بلکه مضمون شعر را تغییر دادند، هر دو با جهان‌بینی خاص خود مسائل را تشریح می‌کردند. هر دو حقیقت را می‌دیدند و با یک پسیمیسم و بدبینی توأم با رئالیسم، جامعه خود را بررسی می‌کردند.

نیما می‌گوید:

«میهمان‌خانهٔ میهمان کش روزش تاریک/ که به جان هم نشناخته انداخته است/ چند تن خواب‌آلود/ چند تن ناهموار/ چند تن ناهشیار.»

الیوت نیز با حالتی شبیه به این، سخن می‌سراید:

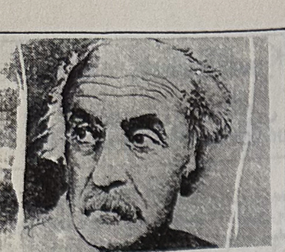
«این سرزمین مرده‌هاست/ این سرزمین کاکتوسهاست/ اینجا پیکره‌های سنگی برافراشته‌اند/ و آنان در زیر سوسوی ستاره‌ای درحال غروب/تضرع دستهای مرده‌ای را دریافت می‌دارند»(۹)

همزمان با انقلاب ادبی در ایران توسط نیما ادبیات کشورهای دیگر هم در حال دگرگونی و انقلاب بود نمونه ذکر شده می‌تواند بیانگر این موضوع باشد. همیشه این نوع تجدد و انقلابها، بر سنت‌طلبان کهنه‌پرست دشوار می‌آید.

جلال آل احمد در مورد خصوصیات اشعار نیما می‌گوید:

«شعر نیما بیان‌کنندهٔ حالات درونی است، و در عین حال که در پیچاپیچ ترسها و شادی‌ها و وحشت‌های درونِ من و تو فرو می‌رود، هرگز از دقت در وقایع خارج (ابسرواسیون) روی گردان نیست و هرگز نیروی خلاقهٔ خود را تنها به دست خیال تیز پَر نمی‌دهد و به تخیل تنها اکتفا نمی‌کند. و به این طریق، از صحنهٔ حقایق دور نمی‌شود و شعر را در آسمانها نمی‌جوید. شعر نیما بیان پیچیدگیهای روی زمین است. بیان امیدهای سرشار، ولی دور است. بیان ترسهای گمنام، ولی پاشی‌دار است. شعر نیما، نمونهٔ زنده و تکامل‌یافتهٔ هنر معاصر است. و نیما یک هنرمند شاعر است. شاعر، به معنی دارندهٔ شعور و هنری و وجدان بیدار طبقاتی.» (۱۰)

پانوشتها: ۱- عطا و لقای نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث // ۲- نیما چشم جلال بود. / جلال آل‌احمد، نیما یوشیج / پژوهش و و ویرایش: مصطفی زمانی‌نیا // ۳- عطا و لقای نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث // ۴- نامه‌های نیما // ۵- تعریف و تبصره و یادداشتهای دیگر، نیما یوشیج // ۶- همان، ص ۱۰ // ۷- نیما چشم جلال بود. // ۸- تعریف و تبصره و یادداشتهای دیگر، نیما یوشیج // ۹- دشت سترون اتی.اس.الیوت / نقد و ترجمه منظوم دکتر شهریار شهید // ۱۰- نیما چشم جلال بود.



در ستایش نیما

● منوچهر آتشی

به آخرین مصراعِ آخرین غزلم
به تو رسیدم
تو ابتدای حرکت بودی و
برکت
تو ابتدای آزادی بودی
...
از حجره‌ها که برون آمدم
- از غارها و از کمر جانور -
از دیرها و معبدها که بیرون زدم
- از خواب مردگان -
دویدم و دویدم و سر کوهی ...
فراز درّه ایستادم و در ژرفا
«آن» را یافتم
- گل سرخی خمیده بر آب،
آبی که پای تبدار کوه را می‌شست -
...
نام تو را برابر کوه بانگ زدم
پژواک صدایم - شگفتا! -
نام خودم بود

○○○

از انتهای تو
به ابتدای خودم رسیدم
برابر دریا ایستادم
و نخستین ترانه‌ام را
- فریادی در آب از شگفتی دیدار خود -
به پای تو قربانی کردم

از یک مقدمه

«نوشته‌ای از نیما یوشیج»

اشعاری که در این مجموعه می‌خوانید نمونه‌ای از طبع‌آزمائی شاعران جوان ماست. به پاس برخوردهای دوستانه و مفید و خواسته‌های مصونی است که با زندگی همهٔ ما ارتباط پیدا می‌کند. من جز چند کلمهٔ مفید چیزی درخصوص آنها نمی‌توانم به زبان بیاورم.

من دربارهٔ خوبی و بدی آنها روی هم رفته می‌توانم به این عبارت «ریلکه» یادآور شوم که می‌گوید: «هنر وقتی که از روی احتیاجی بوجود آمده باشد، همیشه خوب است» چنین احتیاجی هم در مدت کوتاهی که هدفش این اجتماع جوانمان بود، این اشعار را بوجود آورده است. موجب پیدایش این اشعار نباید از نظر ما دور بماند.

من بدواً درخصوص این اشعار فکر می‌کنم چرا سابق بر اینها جوانان ما اینطور شعر نمی‌گفتند. این فکر بسیار آشنا از همان وقت که من به‌سن و سال همین جوانان بودم در من بود. من در راهی بودم که امروز شعر فارسی آن را طی می‌کند و در جستجوی همین زبان، که امروز زبان شعر ماست. من خوب بیادم می‌آید در آن تاریخ در بسیاری از محافل ادبی، ادبا و بزرگترهای ما متصل زیبائی اشعار قدیم را بچشم ما می‌کشیدند. «حیدرعلی کمالی» کمتر وقتی می‌شد که تشبیه آفتاب «منوچهری» را به چراغی نیم‌مرده به من گوشزد نکند. خود «حیدرعلی کمالی» شعر زیاد گفته بود، اما در میان تمام اشعار او بیشتر از دوسه قطعهٔ دلچسب وجود نداشت و من تعجب میکردم. مثل اینکه دیگر دامنهٔ طبیعت قادر به خلق مردمانی در راه هنر نخواهد بود. تقریباً امروز هم من همینطور فکر می‌کنم. من خودم یکی از طرفداران پابرجای ادبیات قدیم فارسی و عربی هستم. سرگرمی من با آنهاست. فقط فکری را که در این وقت به آن اضافه میدانم این است: این عجز و تعجب مفرط در آن ادبا ناشی از کم‌کاری خود آنها بود. انسان اگر بکاود پیدا می‌کند. متقابلاً وقتی که انسان کاوش ندارد، یافتن هم غیرممکن می‌شود. بزرگترهای ما چنان شعر می‌گفتند و می‌خواستند شبیه به شعر دیگران بگویند، مثل اینکه خودشان نیستند که شعر می‌گویند. اگر گوینده‌ای غزلی می‌سرود، علاقهٔ عاشقانه را در موضوع غزل خود نداشت. من مکرر می‌دیدم کسانی را که صاحب طبع شعر بودند. امیری خیالی را درنظر گرفته و در مدح او قصیده‌ای می‌سرائیدند. ولی این قصاید بظرافت و مهارت قصاید آنهائی که درخصوص امیری واقعی گفته بودند نبود.

بنابراین شعرهای دلپذیر در دفترچهٔ اشعار آن ادبای بافرهنگ - با وجود بصیرتی که در ادبیت و عربیت، بقول خودشان، داشتند - بسیار کمیاب و نادرالوجود می‌نمود، زیرا حقیقتاً موجباتی در زندگی آنها را برنیانگیخته بود که شعر بگویند و برای خوبتر نمودن مقاصد واقعی خود مجبوراً به مضامین و تشبیهاتی یا تعبیرات تازه دست پیدا کنند. اگر تشبیه و مضمونی در شعری بکار می‌رفت زبانزد میشد. در موارد دیگر اگر مضمونی و تعبیر تازه‌ای با سبک شعر آنها سازش نداشت، اساساً از گفتن شعر صرفنظر می‌کردند. ولی من زود متوجه شدم که گویندگان ما نمی‌دانند این عجز و قدرت و امکان و عدم‌امکان از کجاست.



آنچه را که من آنروز فکر می‌کردم، امروز می‌بینم. جوانان ما اگر در ادبیت و عربیت نظیر آن ادبا نباشند ولی در زمینهٔ ذوقشان برومند می‌شوند و این واقعیتی است که آن عجز و شکست دامنگیر آنها نیست.

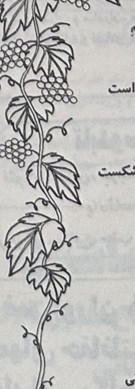
می‌دانند اگر ما می‌توانیم خوب تشبیه کرده، مضامین دلچسب و جاندار پیدا کنیم و اگر قادر به آفریدن شکلهای متناسب برای مطالب خود هستیم، علت این است که کاوش می‌کنیم و واقعیتی ما را بکاوش انداخته است که آن را بیدار می‌کند. البته کسی که مشکلی در زندگیش ندارد، حرفی هم ندارد. کسی که مشکلی دارد، و این مشکل حال خاصی را در او بوجود آورده است مثل اینکه بغض کرده و بغضش می‌شکند، درونی پر از تجسسهای گوناگون هم دارد که مطالب را در زبان او می‌گذارد. نظیر این حال عادی است در شعر گفتن، زیرا شعر از زندگی جدا نیست و گویندهٔ شعر وقتی که می‌جوید چطور شعر بگوید دست به وسائل گوناگون می‌زند و باراه سودمندتر برای ادای مقاصد خود، عناد و لجاج نمی‌ورزد، او مصر نیست که حتماً شعرش را در سبک بخصوصی که چندان برای او لزومی ندارد، تمام کند. کلمات را در آن سبک بخصوص، نجیب و نانجیب کند و در صورتیکه مقصود او را برآورده نمی‌دارند، از گفتن مقاصد خود صرف‌نظر کند. درواقع دانسته ندانسته شاعران جوان امروز ما اول حالی را در خود فراهم دیده بعداً طبع خود را به اندازهٔ مهارتی که دارند می‌آزمایند. این حال قطعهٔ «دعوت» م. امید، با آنکه از شکل کلاسیک نسبت به مقصود خود چندان لزومی نداشته است که تجاوز کند، پیداست.

در سایر احوال به جوانان امروز، میدان وسیع‌تری برای ابراز تمایلات نشان داده شده است. آنها یافته‌اند که چه کنند. میدانند که می‌توانند بگویند. بدست آوردن مضمون و تشبیه و تعبیراتی تازه در نظر آنها تعجب برنمیدارد. به راه دور نمی‌روند. همهٔ اینها نمودار می‌شوند. قبلاً، برای اینکه می‌خواهند و از روی واقعیتی است که می‌خواهند، بعداً برای اینکه می‌توانند برای ابراز تمایلات خود توانائی موجود خود را بکار بیندازند. حتماً در اینراه توفیق بیشتری برای بدست آوردن وسایل بهتر، بهرهٔ آرزوی یقین کار آنها خواهد بود.

● برگرفته از کتاب «تعریف و تبصره» اثر نیما یوشیج. تیر ماه ۱۳۳۲

نقشه

● پیام چهرازی



اول قفسی نساز
بعد پرنده را رنگ کن
اول پرنده باش
قفس خود به خود
ساخته می‌شود.
قول بده
قولِ قول
خود را به من برسانی
آنجا مشغول روئیدن خویشم
نزدیک که شدی
بر من بتاب
اگر با خورشید نیایی / بهتر است
سمت تو
در فراوانی زندانها
دیواریست
اگر از آن پریدی / خواهی شکست
پس چه بهتر
آن را ویران کنی
آن وقت
کنار خانه خواهی بود
درب باز است
یادت باشد
کلید همراه نبری
آخر وسوسه قفل کردن
همیشه همراه توست
در خانه کنار پنجره که نشستی
پرده را
پاره کن
اینچنین
رد سبزینگی تو،
فراموش نمی‌شود.
(بیرون پنجره تاریکِ تاریک است)
پس برگرد
وقت اندکی مانده
و ما تا توالی خورشید
بر پشتت آب می‌ریزد.

مسافر ملکوت

شرح مختصری از زندگانی آیت‌الله سیدموسی ابطحی

● حبیب‌الله سعیدی‌نیا

حاج سید موسی ابطحی فرزند سیدغلامحسین، عالمی روشن‌بین و دانشمندی فاضل و فرزانه بود که در سال ۱۳۱۲ هـ.ش در روستای خورشهاب از توابع شهرستان تنگستان دیده به جهان گشود. از همان اوان عمر به خاطر هوش و استعداد سرشارش از



طرف پدر مورد توجه قرار گرفت و در سال ۱۳۳۳ هـ.ش به نجف اشرف مشرّف گردید و دوران عالیه علوم دین را در آنجا پشت سر گذاشت. در دوران تحصیل از محضر اساتید بزرگواری همچون آیات عظام مرحوم عبدالهادی شیرازی، مرحوم حکیم، مرحوم شارودی، شهید محمدباقر صدر، مرحوم امام خمینی (ره)، مرحوم خوئی، شهید محراب شیخ‌مجتبی لنگرانی، شیخ‌محمد مظفری و ... کمال استفاده را برد و در زمان تحصیل یکی از طلبه‌های ممتاز حوزه بود چنانکه شهید صدر، استاد فلسفه ایشان اعتقاد داشتند که مرحوم ابطحی در فلسفه نابغه بوده است.

ایشان پس از آنکه خرمنی از بوستان علم جمع‌آوری کرد، عزم دیار خویش نمود و در سال ۱۳۳۸ هـ.ش به دشتی برگشت پس از آن تصمیم به مهاجرت به قم و اقامت در آنجا را داشت اما اهالی دشتی با اصرار، از رفتن ایشان ممانعت کردند.

از اینرو آن عالم فرزانه پیشنهاد مردم را پذیرفتند و جهت ارشاد و حل و فصل امور مردم در خورموج اسکان اختیار نمودند. شخصیت مرحوم ابطحی در محیط اسلامی و در شرایط سخت اقتصادی تکوین پذیرفت و همچنین تحت تعلیمات مذهبی خانواده و سایر علماء و در آب و هوای عالم‌پرور جنوب شکل گرفت و از او یک انسان ساده و بی‌اعتنا به مظاهر مادی و دنیوی ساخت.

آن مرحوم علاقه وافر به کسب علم و ترویج و آبادانی داشت و در همین راستا بود که در سال ۱۳۵۵ مدرسه علمیه‌ای را در شهر خورموج تأسیس نمود که در مراسم افتتاحیه مدرسه مزبور بزرگوارانی چون مرحوم شیخ ابوتراب عاشوری و محلاتی حضور داشتند. وی مدیریت و سمت استادی آن مدرسه را به کمک سایرین عهده‌دار گردیدند که سالیانه چند طلبه در آنجا علوم دینی را فرا می‌گرفتند و همچنین برای تقویت بنیه علمی علم‌آموختگان کتابخانه‌ای را در سال ۱۳۵۶ هـ.ش در مدرسه مزبور ایجاد نمودند.

تسلط وی بر علوم دینی، ذوق و قریحه شاعری، هوش و استعداد خدادادی و احاطه‌ای که بر ادبیات پارسی داشت همه و همه دست به دست هم دادند تا از او استادی زبردست و خطیبی خوش‌گفتار و در عین حال آرام و وسیع بسازد. تا آنجاکه به دلیل طبعی موزون و ذوقی روان در سرودن اشعار چه به زبان فارسی و چه عربی از توانایی خاصی برخوردار بود چنانکه ایشان دارای مجموعه اشعار بوده که متأسفانه مفقود می‌گردد.

به عنوان نمونه اشعاری از ایشان به زبان فارسی و عربی ذکر می‌گردد:

من اگر خدای نخوانمت متحیرم که چو دانمت
و اگر خدای بخوانمت تو بری شوی و اباکنی

***

یسبقی خطوطی و کنت تراباً
فیا ناظراً فیه کن لی دعائی

«نوشته‌هایم باقی خواهند ماند آنگاه که من خاک شده‌ام، پس ای کسی که نظاره‌گر آن هستی، دعاگوئی من باش»

و قیل تزور للمعاد من التقی
فان التقی فی‌الحشر اکرم زاد
و لیس لنا زاد سوی حب حیدر
و آله آل الله خیر عباد

«گفته شده که تقوی و پرهیزکاری را از برای آخرت خویش پیشه کن چرا که تقوی بهترین توشهٔ روز قیامت است. زاد و توشه ما جز دوستی و ولایت علی(ع) و اهل بیت او نباشد، اهل بیتی که بهترین بندگان خدایند.»

مرحوم ابطحی از صفات و خصلتهای بارز انسانی برخوردار بودند. مهمترین خصیصه ایشان ایمان راسخ به خدا و وابستگی و اعتقاد عمیقش به اسلام و مکتب انسان‌ساز تشیع علوی بود، راز قدرت روحی، قاطعیت، صراحت بیان، سادگی و استقامت او را نیز در همین ایمان خالص و خدشه‌ناپذیر باید جست. همچنین ایشان نسبت به محرومان و مستمندان فردی دلسوز و پدری مهربان بود و آنچنان وارسته ومتکی به نفس بود که به هیچ عنوان حاضر نبود زیر بار منت دیگران برود. به اشخاص تنها به عنوان یک انسان توجه داشته و هرگز تحت‌تأثیر موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دیگران قرار نمی‌گرفت. همین صفات والای انسانی بود که موجب گردید تا مردم جنوب بخصوص دشتی را مجذوب خود نماید.

از دیگر ویژگیهای این شخصیت برجسته این بود که انسانی ژرف‌اندیش بود و از بر داشتن بیش از سه هزار حدیث و صدها بیت شعر که همواره چاشنی سخنان ارزشمندش می‌کرد خود گویای این واقعیت است. بخاطر این صفات انسانی و علمی ارزشمند است که می‌توان ادعا کرد که سرزمین علم‌دوست و دانش‌پرور دشتی نظیر ایشان را کمتر به چشم خود دیده است. کالبد خاکی‌اش ارزانی تراب باد که روحش دوشادوش جاودانگی علم وفضیلتش تابناک است.

سالها باید که تا یک سنگ اصلی زآفتاب
لعل گردد دربدخشان یا عتیق اندر یمن
قرنها باید که تا صاحبدلی پیدا شود
بوسعیدی در خراسان یا اویس اندر قرن

مرحوم ابطحی به شهادت تاریخ در تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی نزدیک به نیم قرن اخیر به ویژه در دو دههٔ اخیر انقلاب اسلامی که در منطقه جنوب، خاصه دشتی صورت گرفته نقش فعالی داشت و در حوادث پیروزی انقلاب اسلامی و به پیروی از فرمایشات امام خمینی (ره)، پرچمدار قیام مردم علیه حکومت پهلوی بودند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی خود از جمله بزرگترین تکیه‌گاههای مردم در حوادث و مسائل روزمره محسوب می‌شدند و به دلیل بافت خاص مذهبی که حاکم بر دشتی بود علماء و روحانیون همواره مورد توجه مردم بوده‌اند ایشان نیز کانون اساسی توجه افکار عمومی شده و محل رجوع و حل و فصل امور گوناگون اقشار مختلف مردم بود و در رفع مشکلات از نفوذ کلامی بالایی برخوردار بودند. پس بی‌مناسبت نبوده که منزل ایشان همواره محل تجمع علما، ادبا، شعرا، فرهیختگان مختلف بوده است.

اعتماد به نفس در کودکان

عزت نفس که دربرگیرنده خویشتن‌پنداری، اعتماد به خویشتن و خویشتن‌داری است یکی از مهمترین جنبه‌های رشد شخصیت آدمی است و در تطابق اجتماعی و هیجانی نقش انسانی و محوری بازی می‌کند و رشد عزت نفس در آدمی از سالهای اولیه رشد به ویژه سالهای پیش از دبستان آغاز می‌شود.

چگونگی دریافت و ارزیابی هر فرد از خودش یا همان عزت نفس از ادراک تصورات، رفتارهای بزرگسالان بااهمیت در زندگی او (مثل پدر و مادر، معلم، خواهر و برادران، دوستان و ...) تجربه‌های قبلی و تجربه‌های کنونی او ریشه می‌گیرد در این میان به ویژه اثر رفتارهای پدر و مادر بر عزت نفس کودکان اثری غیرقابل انکار است. گاه ابزار و راه‌حلهایی که پدر و مادر برای معنای عزت نفس خودشان دارند بسیار بیش از آنچه که بطور کلی به کودکان آموزش داده می‌شود در ایجاد احساس ناپختگی و عدم عزت نفس به آنان نقش دارد. یافته‌های پژوهشی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهند تا حدود هشت سالگی کودکان قادر به درک مفهوم خویشتن نیستند به علاوه همین یافته‌ها نشان می‌دهند که کودکان تا زمانی که به نوجوانی نرسیده‌اند نمی‌توانند به درستی از اطلاعات شناختی به منظور ایجاد توانایی درک و فهم متأثرکننده رفتار استفاده کنند. به این ترتیب در حالی که تا ممکن است به عنوان پدر و مادر برای آموزش مفاهیم باارزشی از عزت نفس به کودکانمان تلاش کنیم اما برای کودکان این مفاهیم هنگامی مؤثرتر خواهند بود که بجای این که بصورت شفاهی توصیف شوند به تجربه و احساس بدل شوند.

در اینجا به شمه‌ای از آنچه که می‌توان انجام داد تا فرزندانمان به فرصت احتمالی بیشتر و مناسبتری برای رشد و تحکیم عزت نفس دست یابند اشاره می‌کنیم این اقدامات در نهایت به کودکانمان کمک خواهد کرد تا بجای فرار و اجتناب از مسائل و مشکلات، احساس درماندگی و ناامیدی در مقابل آنها و یا دست زدن به کارهای غیرسازنده و مخرب با آن مشکلات و مسائل مقابله مؤثر کنند و به سازگاری اجتماعی و هیجانی بهتری دست یابند.

۱ـ در نظر داشته باشید که کل فرایند شکل‌گیری عزت نفس درکودکان نیازمند رابطه‌ای مبتنی بر مراقبت از آنان و رفع نیازهای آنان از راههای موجه است. در این زمینه علاوه بر نیازهای جسمانی، نیازهای روحی به ویژه نیاز به محبت، امنیت و احترام اهمیت خاصی دارند. کیفیت محبت و علاقه‌ای که به آسایش کودکان داریم در این میان بقدری مهم است که علیرغم وضوح آن تأکید بیشتری را می‌طلبد.

۲ـ بخاطر داشته باشید که ایجاد و افزایش عزت نفس را باید در چهارچوب یک جریان رشدی و تحولی در نظر گرفت. در سالهای قبل از مدرسه خویشتن‌پنداری کودکان اصولاً دربرگیرنده اسنادهایی همچون خصوصیات جسمانی و ویژگیهای ظاهری است. در این سالها کودکان گرایش به تفکر دو بعدی (یا این یا آن) دارند و این امر سبب می‌شود که امور و از جمله خودشان را یا کاملاً خوب و یا کاملاً بد تلقی کنند. این، در حالی است که سالهای بعد همگام با افزایش سن خویشتن‌پندار، کودکان از مقایسه با همسن و سالان و موقعیتهایشان تحت تأثیر قرار می‌گیرند و همچون رشد و تحول کودک در اولویت ارضاء و شکل ارضاء نیازهایش را ممکن است تغییر دهد. با توجه به این جریان رشدی و تحولی ماهیت رابطه ما به عنوان پدر و مادر با کودکان، همچنین تکلیفهای سالم رشدی باید در گذر زمان و همگام با رشد و نمو کودک، تغییر یابند. درواقع یک نوع رابطه مؤثر و یا تکلیف مناسب در یک سن ضرورتاً در سنین بعدی رشد کودک مؤثر و مناسب نیست. به همین دلیل، اصول کلی مربوط به پذیرش کودکان، کنترل آنان را نیز باید در چهارچوب مرزهای رشد و تحول آنان بکار گرفت.

۳ـ به منظور ایجاد و تحکیم عزت نفس در کودکان باید به تفاوتهای فردی آنان توجه داشته باشید و با توجه به تفاوتهای آنان، راهبردهای پدر و مادری خواهر و برادری دوستی و یا علمی انعطاف‌پذیری را بکار گیرید. راهبری که در مورد یک کودک به خوبی مؤثر است ممکن است برای کودکی دیگر در همان شرایط کاملاً بی‌تأثیر و یا حتی مضر باشد. با توجه به این مسئله شناخت بیشتر و بهتر کودکانمان اهمیت می‌یابد.

۴ـ از سرزنش و تحقیر کودکان به هر شکل بپرهیزید. سرزنش، تحقیر و یا تمسخر به اساس عزت نفس کودک لطمه وارد می‌کند به جای سرزنش کردن کودکانمان در شرایطی که مشکل پدید آورده‌اند، ضعف یاکوتاهی داشته‌اند و یا مرتکب خطایی شده‌اند و یا در خطر ارتکاب خطایی واقع شده‌اند و یا در خطر ارتکاب اشتباهی قرار دارند می‌توانیم عواقب رفتارهای نامناسب را به آنها گوشزد کنیم و در عین حال به او این پیام را بدهیم که علیرغم ضعف و خطا و یاکوتاهی او همچنان دوستش داریم.

۵ـ همیشه و در همه حال به کودکان کمک نکنیم و به آنان فرصت اشتباه کردن بدهیم. دریافت مداوم کمک سبب می‌شود که افراد کمک‌گیرنده خود را در موقعیتی حقیرتر و ناتوانتر از کمک‌دهنده احساس کنند و عزت نفس آنها در خطر قرار گیرد. در واقع هنگامی که در بسیاری شرایط به فرزندمان کمک کنیم این پیام که توانمندی، صلاحیت و لیاقت لازم را نداری نیز همراه آن خواهد بود. اشتباه کردن، فرصت یادگیری و طرح راه‌حلهای مناسبتر را به کودک می‌دهد و شکست ناشی از اشتباه و تصور او را در مقابل شکستهای آتی واکسینه می‌کند.



۶ـ به کودکان فرصت کمک کردن به دیگران و کشف محیط را بدهید. کمک کودکان به دیگران سبب می‌شود که در آنها عزت نفس بیشتری پدید آید. کمک به دیگران در کودکان احساس خود توانمندی و چیره‌دستی پدید می‌آورد که در بنیاد عزت‌نفس نقش اساسی دارد. کشف محیط نیز زمینه‌ساز موفقیتهای فرد، افزایش مهارتها و تسلط فرد و افزایش عزت‌نفس می‌شود.

۷ـ تا حد امکان از وقوع رویدادهایی که سبب پیدایش الف) مشکل در ارتباط با دیگر کودکان ب) احساس متفاوت بودن از دیگر همسن و سالان ج) احساس این که ناخواسته است و یا د) این احساس که دیگران از او متنفر هستند شود جلوگیری کنید و در صورت وقوع با همدلی و راهبردهای مناسب به کودک در فائق آمدن بر این مشکلات یا احساسات کمک کنید.

آنچه راکه به آن اشاره کردیم چکیده‌ای از توصیه‌های مختلف روان‌شناختی به منظور شکل دادن به عزت نفس در کودکان بود که بر شیوه‌های پرورش فرزند تأکید داشتند. با توجه به این نظریه‌ها:

۱ـ محبت و پذیرش بی‌قید و شرط (دوست داشتن کودکان فارغ از کارهای درست و نادرست آنها و فارغ از توانمندیها و ضعفهایشان و دادن این پیغام به آنهاکه آنها را دوست داریم اما کارهای نادرست آنها را نمی‌پذیریم.)

۲ـ دادن فرصتهای یادگیری، کسب مهارت و چیره‌دستی و تسلط بر محیط به آنان و بطور کلی احساس موفقیت و تعلق زمینه‌ساز رشد و تحکیم عزت‌نفس است.

امید که پدران و مادران، مربیان و معلمان فهیم در رشد عزت‌نفس کودکان و اعتلای شخصیت آنان بیش از پیش موفق باشند.

مرکز بهداشت استان بوشهر

ایجاد یک سوال درباره دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر

دیدن دو صحنهٔ غرور برانگیز ۲ خرداد و ۱۶ آذر امسال برای بنده به عنوان یک جوان ایرانی از دو جنبه حائز اهمیت بود: اول اینکه بر خود بالیدم که جوانان این مرز و بوم چنین با نشاط و بدون هیچ واسطه‌ای با رئیس جمهور، بالاترین مقام اجرائی کشور به گفت و شنود می پردازند و مشکلات خود را در حضور ایشان مطرح کرده و پاسخ می‌گیرند و دوم اینکه به عنوان یک شهرستانی افسوس خوردم که چرا ما شهرستانیها باید از چنین جلساتی محروم باشیم، ولی این افسوس تا زمانی ادامه داشت که خود شخصاً در جلسه گفت و شنود با معاون سیاسی استانداری بوشهر شرکت کردم و در یک فضای صمیمی مشکلات خود را مطرح کردیم. آری روز پنجشنبه سوم دی ماه جلسه‌ای با حضور معاون سیاسی استانداری بوشهر در خصوص مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر در محل استانداری تشکیل گردید که جای بسی تشکر از این مسئولین بخاطر برپائی این جلسه دارد. اما نکته قابل تامل در این جلسه عدم حضور مسئولان این دانشگاه بود که با توجه به اعلام قبلی استانداری به آنان جهت حضور در جلسه، جای بحث دارد.

عدم حضور آنان این شبهه را در نزد برخی از دانشجویان بوجود آورد که از آنجا که مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر از مشکلات دانشجویان اطلاع داشته و البته جواب قانع کننده‌ای نیز برای این مشکلات ندارند، بنابراین در جلسه حضور نیافته‌اند و البته نصب یک اطلاعیه سراسر کذب درباره لغو این جلسه در دانشگاه آزاد نیز این شبهه را تقویت می‌نماید. ● امضاء محفوظ

جناب آقای حاج بهرام نکیسا
انتصاب به حق و شایسته شما را به عنوان بخشدار بخش مرکزی بوشهر تبریک عرض می‌کنیم.
«تربیت بدنی بخش مرکزی بوشهر»

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به بوشهر



ای کاش محیط زندگی خود محترم می‌داشتیم.

روزی منو مرا گفت: یا شیخ تو را این همه زبان به زبانه کشاندن آتشِ نقد جایز نبود. گفتم: زچه رو؟ گفت: همگان را با خود به عناد کشانیدی و دلها را از خود رمیدی و به هیچ خوان نرسیدی، ساسان‌بن‌ساسان را و مولانا لاری را و ابن ندیم را و عزیز بلاد را و زایر خدا را و... چنان خاطر پریشان کردی که تو را باقر خودرو نخوانند وبَقَره خودرو خوانند.

گفتم: یا منو مرا با این بزرگان نه بر سبیل آوام باشد و نه بر طریق عناد. ما خواهیم که از رعونتِ نَفْس به مَعونتِ ناس ره بِسپُرند و آنان را عزّ با ذِل قرین نگردد.

ما این کلام را با طنازی می‌گوئیم تا به غمازی ابلیس و ترکتازی تدلیس گرفتار نیایند و چون چشم باشیم از جانب خلایق بر اعمال بزرگان.

منو گفت: یا شیخ آیا خلایق خود بی‌هیچ عیبند و آنان را عملی به فعل نیاید که مستوجب نکوهش باشد. گفتم: آن را نیز خواهم که با خامه خود به رقعه کشانم.

پس به بازار شدیم، جماعت می‌آمد و می‌رفت و هیاهو بود بیع و شرا. کسی بیامد جامهٔ نیکو بر تن و ظاهر آراسته داشت. نزدیک دیوار شد سبابه بر بینی نهاد و بفرمود چِر... ر... ت وُمف مبارک را بر پهنهٔ دیوار منقوش بفرمود و ره را بگرفت و برفت. منوگفت: یا شیخ تو را مشاهَد آمد گفتم: آری دل نیز به آشوب آمد.

در همان حال دکانداری بیامد طبقی در دست داشت و آن آکنده بود از آشغال، منو گفت: حال می‌بین چسان آک را از دکان دور می‌سازد، پس طَبَق را بیاورد و پیش پای خود بر گذر جوی آب بریخت. منو گفت: فردا باشد که فریاد برآرد بر شهرداری که رفتگران جلو دکان را پاکیزه نگردانند.

دیری نگذشت که خاتونی بیامد و خَیُو (آب دهان) برگذر انداخت. خاتونی دیگر بیامدِ و خردسالی با او همراه بود و لفافهٔ ماکولی اندر دست داشت. گفت: لفافه را چه سازم؟ مادر بفرمود: بر زمین انداز و کودک آن کرد که مادر فرموده بود و مرا یاد آمد که دمادم گویند شهر ما خانهٔ ما و فراوان در دل واا‌سفا بگفتم، که گفته‌اند: هر آنچه بر کودک بنمایی چون نقشی بر حَجَر باشد و این بماناد و کودکان بزرگ شوند و بزرگان آن کنند که اندر کودکی به سیرتشان نقش شد و این چرخ همچنان بچرخد.

منو گفت: یا شیخ دانی که اندر بلاد افرنگ، انداختن خَیُو و بازمانده دُخن (ته سیگار) در معابر جرم باشد و چهل دلار از خاطی ستانند. گفتم: آری دانم ای کاش ما نیز هم خود و هم محیط زندگی خود محترم می‌داشتیم.

کلاس مربیگری بوکس در بوشهر

یک دوره کلاس مربیگری بوکس زیرنظر فدراسیون بوکس کشور با حضور تعداد ۱۳ نفر از علاقمندان و ورزشکاران قدیمی بوکس از شهرستان بوشهر و دشتستان در محل سالن بوکس به مدت ۵ روز در مجموعه شهید صدوقی برگزار گردید. مدرس این کلاس، مساعدیان مدرس بین‌المللی و ممتحنه، شهیدی مسئول کمیته آموزش فدراسیون بودند.

اشکالاتی بر یک گزارش
در حاشیه دیدار با مرده‌شوی بوشهر

● فروغ شمس‌العلماء

با سلام و خسته نباشید به تمام دست‌اندرکاران هفته‌نامه نسیم‌جنوب. در شماره بیست و چهارم هفته‌نامه مطلبی چاپ شده بود بنام من یکبار مرده بودم که گزارشی بود از یک غسالخانه و مصاحبه‌ای با مرده‌شوری بنام گرگعلی ...

که با توجه به اصول مصاحبه این مصاحبه از چندین جنبه قابل بورسی است:

با توجه به اینکه به نظر می‌رسید هدف از این مصاحبه معرفی شغل مرده‌شوری است و بررسی روانی مرده‌شور، باید متذکر شد که برای معرفی این شغل، اصل بی‌طرفی را در مصاحبه لحاظ ننموده است و سؤالات بصورتی مرتب شده‌اند که عقیدهٔ مصاحبه‌کننده بوضوح در لابلای سؤالات به چشم می‌خورد و با توجه به سؤالات تکراری غیرلازم بخصوص سؤالاتی که دارای بار منفی نسبت به شغل مرده‌شوری است این اعتقاد به سوگیری مصاحبه‌کننده را تقویت می‌کند. مثلاً آیا خانواده‌ات از کار شما راضی هستند؟ جواب: بله. یعنی مخالفتی با کار شما نداشته‌اند؟ آیا با جواب مثبت به سؤال اول جایی برای سؤال دوم می‌ماند؟ در مجموع سؤالات مخاطب را در هالهٔ کلامی قرار می‌دهد و میخواهد به وی القا کند که شغل مرده‌شوری جدا از شغلهای دیگر است و باید حتی یک مرده‌شور نیز آن را طور دیگر ببیند و این سوگیری در آنجا به اوج می‌رسد که مرده شور بیچاره را با شخصیت وحشتناک «رودلف» مقایسه می‌کند و این جای بسی تعجب است که فردی به خود اجازه دهد که بدبینی شخصی خود یا احساس آنی خود را نسبت به شغلی که می‌تواند بسیاری از افراد شریف را در خود جای دهد به این صراحت بیان کند.

البته در جامعه بعضی از مشاغل شأن و منزلت اجتماعی مشاغل دیگر را ندارند و این مسئله به عواملی چند برمی‌گردد که یکی از این عوامل می‌تواند فرهنگی باشد که در بسیاری از موارد مردم ما بدون هیچگونه دلیل منطقی تنها بخاطر زمینهٔ فرهنگی موجود با بدبینی بعضی از مشاغل می‌نگرند که از این نظر گزارشگر یا مصاحبه‌کننده با توجه به هدف از قبل تعیین شده خود باید با پرهیز از زمینه فرهنگی موجود مشاغل را مدنظر قرار دهد تا بتواند بطور اصولی به معرفی آنها بپردازد و با معرفی واقع‌بینانه مشاغل زمینه فرهنگی را برای پذیرش این مشاغل مهیا کند.

در این مصاحبه سعی می‌شود مرده‌شور فردی بی‌احساس و جدای از از دیگران قلمداد شود فردی است که هیچگاه گریه نمی‌کند. از دیدن ناراحتیهای دیگران آزرده نمی‌شود ـ که همین مورد، باعث مقایسه‌اش با رودلف شد باید این نکته مورد توجه قرار داد که افراد با شغل خود و ویژگیهای آن خو می‌گیرند و به آن عادت می‌کنند و این در مورد تمامی مشاغل مصداق دارد. مثلاً پزشکان که از منزلت اجتماعی قابل توجهی هم برخوردارند آیا از تمامی مرگهایی که در جلوی دیدگان آنها رخ می‌دهد مانند افراد عادی متاثر می‌شوند؟ حتماً گزارشگر محترم ما به خود این حق نیز می‌دهند که پزشکان پرتلاش و زحمتکش نیز با رودلف مقایسه شوند؟!

مقاومت، قهرمان فوتبال گناوه

مسابقات قهرمانی فوتبال شهرستان گناوه که به مناسبت یادواره شهدای شهرستان گناوه در رده مقدماتی و با شرکت ۱۷ تیم که در ۳ گروه تیمی و ۱ گروه ۵ تیمی برگزار شد و در پایان دوره مقدماتی از هر گروه ۲ تیم به دوره دوم بصورت حذفی صعود نمودند. پس از بازیهای نهائی تیمهای آزادی و مقاومت به دور فینال راه پیدا نمودند که در پایان با ضربات پنالتی تیم مقاومت تیم آزادی را با نتیجه ۴ بر ۳ شکست داد و مقام قهرمانی این دوره از مسابقات را کسب نمود. در مجموع تیم آزادی مقام دوم و تیمهای امید و موج مشترکاً سوم شدند.

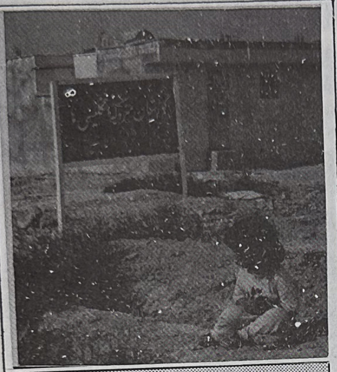
استقلال، قهرمان مینی فوتبال تنگستان

آخرین دیدار مسابقات مینی‌فوتبال بین تیمهای استقلال و شهباز اهرم در سالن تختی این شهرستان طی مراسم خاصی با حضور مدیر کل تربیت‌بدنی استان، معاون فرماندار و تنی چند از مسئولین تربیت‌بدنی استان و مسئولین شهرستان و علاقمندان، برگزار شد که این بازی به نتیجه ۲ بر ۱ بسود استقلال خاتمه یافت و در پایان جوائزی از طرف تربیت‌بدنی شهرستان به قهرمانان این مسابقات و دیگر مسابقات که در سال ۷۷ برگزار شده بود اهداء نمود.

احوال محله ما.

● کاظم شیخ‌علی خان کرمی

با عرض سلام خدمت دست‌اندرکاران نشریه نسیم جنوب در هر کجای دنیا وضعیت محله‌های پائین شهر بدتر از محلات بالای شهر (شمال شهر) می‌باشد، این امری طبیعی است. اما کار محله ما از این چیزها گذشته است، انگار که به شهری پا می‌گذاریم که درگیر جنگی فجیع بوده است. بوی نامطبوع جوی‌های آب و فاضلاب از یکسو و خرابه‌ها و زباله‌ها یک طرف و تازه از همه اینها که بگذریم وجود سگهای ولگرد و گربه‌ها و موش که همگی عامل بیماری هستند از سوی دیگر موجب رنجش مردم این محله (امام) گردیده است. خیابانی که چندین سال پیش کار صاف کردن منازل مسکونی در راه آن بوسیله بنیاد مسکن و شهرسازی به پایان رسید، هنوز رنگ آسفالت به خود ندیده است! از مسئولین محترم، استاندار، شهردار و ... استدعا داریم بیشتر به این مکان توجه داشته باشند.



گورستان انگلیسی‌ها متروکه یا مخروبه؟!

● مهندس محمود محمدیان

در مَحله بهمنی بوشهر چنانچه می‌دانید گورستان انگلیسی‌ها واقع شده است. اینکه چرا این گورستان که از تاریخ حماسه دلاوران جنوب و به هلاکت رساندن بیگانگان مهاجم تصویر روشنی از ترسیم نموده و یکی از نقاط دیدنی و بیاد ماندنی شهر می‌باشد، ناشیانه و احیاناً ندانسته ویران شد، بماند. نکته قابل توجه در عکس بکار بودن کلمه متروکه به معنی (رها شده و ترک شده) می‌باشد و با اطمینان از اینکه مردگان گورستان این محل را ترک ننموده‌اند! لذا مناسب است که عبارت تابلو به (گورستان مخروبه انگلیسی‌ها) تغییر یابد.

مسابقه شطرنج انتخابی دانشجویان آموزشکده انرژی اتمی بوشهر

یکدوره مسابقه شطرنج انتخابی تیم دانشجویان آموزشکده انرژی اتمی بوشهر با شرکت ۲۰ نفر از دانشجویان بصورت سوئیس سیستم در ۵ دوره سالن ورزشی انرژی اتمی برگزار گردید که در پایان این نتایج بدست آمد: نعمت‌الله آب‌آذر- اول / حبیب‌الله امینی- دوم / شهرام صادقیان ـ سوم / امید بروجردی ـ چهارم / اصغر حیدری‌نژاد ـ پنجم/ صادق منوچهری ـ ششم

مسابقه دوهمگانی در دشتستان

به مناسبت فرخنده میلاد باسعادت امام حسن مجتبی (ع) یکدوره مسابقه دو همگانی به مسافت ۳ کیلومتر با شرکت ۸۰ نفر دونده درشهرستان دشتستان برگزار گردید که در پایان به ۶ نفر از شرکت‌کنندگان ذیل به قید قرعه جوائزی اهداء گردید. ۱ـ محمدعلی زارعی ۲ـ ابراهیم زنده بودی ۳ـ مجید الله‌وردی ۴ـ باقر رئیسی ۵ـ حسن استواری ۶ـ حسن شیخیانی



«تیم محبوب مقاومت چغادک» قهرمانی شما را در مسابقات دسته دوم بخش مرکزی شهرستان بوشهر تبریک عرض می‌کنیم

«جمعی از دوستداران»

توصیه‌های پزشکی

نکاتی درباره گوش درد کودکان

✍ دکتر منوچهر قیصی‌زاده

تشخیص اینکه آیا نوزاد گوش درد دارد یا خیر مشکل است. کودک ممکن است تب‌دار و گریان باشد، اما هیچ علامت دیگری نشان ندهد. یک راه ساده، فشار دادن گوش با انگشت با احتیاط است که اگر کودک مبتلا به گوش درد باشد با گریه شدید عکس‌العمل نشان می‌دهد.

کودکی که کمی بزرگتر است اما نه آنقدر که بگوید چه ناراحتی دارد، هنگام گوش درد سرش از طرفی به طرف دیگر می‌چرخاند، گوشش را می‌مالد، پیوسته گریه می‌کند و بی‌قرار است.

گوش درد، معمولاً ناخوشایند است و بدون معالجه ممکن است روزها طول بکشد. علت درد، فشار شدید ترشحات گوش میانی به پرده گوش است که باعث قرمزی و تورم آن می‌شود که گاهی اوقات این ترشحات، چرکی نیز خواهد شد. گاهی اوقات گوش درد پس از چند ساعتی قطع می‌شود و علت تسکین، تخلیه ترشحات از مجرای گوش پس از سوراخ نمودن پرده گوش است. گوش درد معمولاً شب و پس از این که چند ساعتی از خواب کودک گذشت شروع می‌شود، زیرا در حالت خوابیده شیپور اوستاش راحت‌تر بسته می‌شود.

التهاب گوش غالباً همراه با تب ۳۸ـ۳۹ درجه سانتیگراد و یا گاهی شدیدتر است اما ممکن است بدون درد و تب نیز بوجود آید.

هنگام گوش درد همیشه به پزشک مراجعه کنید. این ناراحتی معمولاً با آنتی‌بیوتیک و قطره بینی درمان می‌شود و اگر گوش درد بطور اساسی معالجه نشود ممکن است شنوائی برای همیشه مختل گردد.

فرهنگ مصرف دارو- آنتی‌بیوتیک‌ها(۳)

● دکتر فضل‌الله کشاورز

به طور کلی مصرف خوراکی داروهای جامد باید با آب کافی انجام شود. اما نیاز به مصرف آب فراوان همراه با دارو به ویژه در مورد دستجاتی از آنتی‌بیوتیکها اهمیت زیاد دارد. برخی از آنتی‌بیوتیکها همچون کوتریموکسازول، سولفادیازین و سولفاسالازین و امثال آنها قابلیت رسوب کردن در کلیه و تخریب آن را دارند. بامصرف آب زیاد میتوان امکان رسوب کردن دارو در کلیه را کاهش داد. همچنین کپسولهای تتراسیکلین و داکسی‌سیکلین درصورت عدم عبور به موقع از مری و چسبیدن به دیواره آن می‌توانند سبب ایجاد نوعی زخم و عارضهٔ بسیار خطرناک شوند. به همین دلیل باید همراه با آب زیاد مصرف شوند و تا حدود یکساعت بعد از مصرف آنها از قرار گرفتن به حالت افقی خودداری شود تا از ورود دارو به معده اطمینان حاصل شود.

بطور کلی مقدار یا سرعت جذب آنتی‌بیوتیکها با معدهٔ خالی بیشتر بوده و مصرف آنها قبل از غذا ترجیح دارد. اما درصورتی که باعث دل بهم خوردگی و ناراحتی‌های گوارشی شوند میتوان آنها را با معدهٔ پر، مصرف کرد.

زندگی در پرتو قانون

پاسخ به سؤالات حقوقی شما

زیر نظر - زیبا هوشیار، وکیل پایهِ یک دادگستری

● منصور. ج از بوشهر:

۲۰ روز پیش با دختری ازدواج نمودم که هنگام عقد آثاری از بیماری در وی مشاهده ننمودم لکن متأسفانه پس از ازدواج حرکات ناشایست و غیرطبیعی از وی سرزده که نشانگر اختلال روانی وی می‌باشد کمااینکه چند روز پیش مادرش وی را با خود به منزل پدرش برده است. حالا تکلیف بنده چیست؟

جواب: با توجه به مورد گفته شده، زن از تعادل روانی برخوردار نبوده که در این خصوص ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی تکلیف را معین نموده است: «جنون هر یک از زوجین به شرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل حق فسخ است.» بنابراین چنانچه جنون و عدم تعادل روانی زن پایدار باشد مرد حق فسخ نکاح را دارد.

نامه سرگشاده مرغداران دشتستان به فرماندار این شهرستان
جلوی توزیع مرغ زنده را در دشتستان بگیرید

جمعی از مرغداران شهرستان دشتستان طی نامه‌ای به فرماندار این شهرستان به توزیع زنده مرغ در این شهرستان اعتراض نمودند. در این نامه آمده است:

«جناب آقای میگلی‌نژاد فرماندار محترم دشتستان

همانگونه که مستحضر هستید، اخیراً بیماری آنفلولانزا در صنعت مرغداری کشور خسارات جبران‌ناپذیری ببار آورده است که یکی از دلایل شیوع این بیماری، عدم رعایت ضوابط سازمان دامپزشکی کشور از جمله توزیع مرغ زنده است. اکنون در اکثر شهرهای بزرگ و کوچک کشور با همت سازمان دامپزشکی از توزیع مرغ زنده جلوگیری شده است.

در منطقه ما هم از سالها پیش تلاشهای بسیار از طرف مراجع ذیربط از قبیل خود جنابعالی، اداره دامپزشکی، اتحادیه مرغداران، مسئولین بهداشت و غیره جهت حل این معضل انجام گرفته است.

امروز ما تولیدکنندگان مرغ با هزار مشقت و تحمل مشکلات متعدد از قبیل گرانی نهاده‌ها، عدم کیفیت جوجه، وضع نابسامان دان مرغ، بازار بی‌ثبات فروش و غیره، همه تلاش خود را جهت داشتن سهمی در شکوفایی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ادا می‌نمائیم.

ولی متأسفانه افرادی واسطه و سودجو که سالهاست با فشارهای مضاعف از طرفی به تولیدکنندگان مرغ و از طرف دیگر به مردم، جیبهای خود را پر نموده‌اند، با اعمال نظر و مغشوش کردن ذهن مسئولین و تهیه نامه و طومارهای غیرواقعی تقاضای توزیع مرغ زنده در استان و منطقه دارند و بهانه آن هم عدم پذیرش فرهنگی مردم از مصرف مرغ کشتار شده است.

جناب آقای فرماندار آیا صحیح است امروز که دنیا با پیشرفتهای چشمگیر خود در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی و غیره، چشم بشریت را خیره کرده است جناب آقای قاسمی نماینده محترم دشتستان با همسویی با (...)، با این طرز تفکر که فرهنگ مردم برازجان، مرغ کشتار شده بهداشتی را نمی‌پسندند، با(...) همصدا شود. آیا امروز که مسئله بسته‌بندی حرف اول را در صادرات و واردات و تجارت مواد غذایی می‌زند مردم ما هنوز باید از مرغی استفاده کنند که در حلب زنگ‌زده آبجوشی که از صبح تا شب آب آن هم تعویض نمی‌شود فرو برده-و بطور غیربهداشتی در اختیار مصرف‌کنندگان گذارند.

آیا برازنده است که رونوشت نامه آقای حاجیانی نماینده محترم دشتی به مردم دشتستان مبنی بر عدم پذیرش فرهنگی مردم از مرغ کشتار روز با این استدلال که فرهنگ خاص دینی مذهبی مردم نمی‌پسندد و یا مردم برای اطمینان از شرایط ذبح مرغ زنده دوست دارند، ابلاغ گردد. آیا واقعاً مردم ما فرهنگ مرغ بهداشتی را ندارند و یا...

و آیا هنوز وقت آن فرا نرسیده است که دشتستان تحت مدیریت حضرتعالی را با مرغهای بهداشتی و منجمد در ویترینهای مغازه‌های شهر زینت بخشیم. جناب آقای میگلی‌نژاد ما ضمن اطمینان از حسن مدیریت و خیرخواهی جنابعالی برای مردم منطقه محروم زجرکشیده دشتستان، استدعا داریم به پاس احترام به قوانین جاری مملکت، قانون دامپزشکی را که به صراحت کامل، توزیع مرغ زنده را منع نموده است، حفظ بهداشت مردم، حفظ امنیت شغلی برای ما مرغداران منطقه، که با وجود توزیع مرغ زنده و شیوع بیماری خانمان برانداز آنفولانزا به خطر افتاده است، دستور فرمائید جلوی توزیع مرغ زنده را گرفته و دستور فرمائید ما در جلسه‌ای در خدمت شما باشیم و از نزدیک مشکلات خود را با حضرتعالی درمیان بگذاریم. از دل برود هرآنکه از دیده برفت.»

(مرغداری استقلال، مرغداری گروه ۵، مرغداری پیروزی، مرغداری حسن نظام، مرغداری گروه ۹۶، مرغداری گروه ۲۲۴، مرغداری گروه ۱۵۲)

یک وظیفه سنگین برای مطبوعات
● کورش احمدی

پس از سالها انتظار، به همت دولت مردمی خاتمی و به کوشش وزیر کشور، بحث شوراهای اسلامی شهر و روستا تازه شد و یکی از اصول مهم نهادینه شدن دموکراسی می‌رود تا جامعه عمل به خود بپوشاند. در این میان نقش مطبوعات در برگزاری صحیح و سالم این انتخابات بسیار مهم است. مطبوعات باید با تمام توان در جهت روشن نمودن وظایف شوراها برای مردم گام بردارند و سعی نمایند با چاپ مقاله، خبر، مصاحبه و گزارش مردم را با وظیفه خطیر شوراها آشنا نمایند. هرگاه مردم به وظیفه مهم و اساسی شوراها آشنا شدند، در آن صورت بحث شوراها را جدی‌تر می‌گیرند. مطبوعاتی همچنین باید بطور کلی شرایط و ویژگی‌های اشخاصی را که برای عضویت در شوراها مناسب هستند، درج نمایند تا بدینوسیله مردم شرایط افرادی را که می‌خواهند برای شوراها انتخاب کنند بهتر بشناسند. در مجموع مطبوعات در این مدت باقی مانده، بحث شوراها را گرم نگهداشته و به بحثهای حاشیه‌ای و فرعی که بحث شوراها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد کمتر بپردازند. امیدوار کردن مردم برای انتخاب شوراهایی کارآمد و تشویق آنان برای مشارکت در انتخاب شوراها را نباید فراموش کرد. مطبوعات در هنگام تبلیغات انتخابات شوراها نیز باید حرمت اشخاص و گروهها را حفظ کنند و با زدن تهمت و افترا سعی ننمایند تا اشخاصی را از میدان بدر کنند. مطبوعات وظیفه سنگینی در انتخابات شوراها دارند که امیدواریم از عهده انجام آن برآیند.

سرنوشت کالاهای قاچاق در بوشهر؟!

یکی از ناهنجاریها و افتهایی که در دهها سال است اجتماع ما با آن دست به گریبان بوده و مانند خوره به جان اقتصاد کشور افتاده است، ورود و خروج غیرمجاز انواع و اقسام کالاها با همان پدیده قاچاق است.

کالاهای قاچاق، یا در اصل به دلیل صادرات و واردات آنها، از طرف دولت ممنوع اعلام گردیده و یا به این دلیل غیرمجاز (قاچاق) محسوب می‌شوند که حقوق گمرکی و مالیاتهای تعیین شده بوسیله دولت، از طرف صاحبان کالاهای مذکور پرداخت نگردیده است و یا به عبارت دیگر ورود و خروج این کالاها تمام مسیرهای قانونی خود را طی نکرده‌اند. و به همین دلیل است که یک درگیری مستمر بین نیروهای انتظامی و قاچاقچیان و مطبوعات کشور و از جمله مطبوعات محلی (استان بوشهر) مرتب خبر از کشف و ضبط کالاهای گوناگون به ارزش میلیاردها ریال می‌دهند.

اینکه علل روی‌آوری به پدیده قاچاق چیست و چرا علیرغم زیانبار بودن این امر بر اقتصاد ملی، باز هم عده‌ای در کل کشور و خصوصاً در نواحی اعم از مرزهای آبی و یا زمینی، حاضر به دست کشیدن از این شغل کاذب و سوداگرانه نیستند خود محتاج تحقیقی مستقل است، گرچه می‌توان اجمالاً به موارد زیر اشاره کرد. مواردی که بعضی نیز اختصاص به استان بوشهر دارد.

۱-سابقه تاریخی تجارت در استان. همه می‌دانیم که بنادر استان بوشهر خصوصاً خود بندر بوشهر از عمده‌ترین مراکز داد و ستد بین ایران و سایر کشورهای همسایه و غیرهمسایه بوده و از قدیم‌الایام اغلب ساکنان شهرهای بندری استان از طریق مسافرت و تجارت با سایر کشورها بویژه کشورهای حاشیه خلیج‌فارس امرار معاش می‌کرده‌اند و طبیعی است که همه این مسافرتها و یا داد و ستدها و در چهارچوب قوانین مصوب نبوده و قاچاق باعث شد که پدیده مذکور بعد از انقلاب نیز به حیات خود با فراز و نشیبهایی ادامه دهد.

۲- عدم وجود مراکز صنعتی و تولیدی در استان امروزه در اقتصادهای بزرگ دنیا، صنعت به عنوان بخش اصلی اقتصاد، نقش مهمی را در ایجاد بازار کار و شغل و کاهش میزان بیکاری دارد، ولی متأسفانه در کشور ما، بخش صنعت و تولید با دهها مشکل دست به گریبان بوده و بجای آن بخش تجارت و سوداگری و دلالی در حال متورم شدن است و از میان استانهای کشور نیز وضع استان ما در بخش صنعت و مراکز تولیدی، وضعی اسفناک بوده و ما در رده‌های آخر جدول قرار گرفته‌ایم، در نتیجه نبود کارخانه و مراکز و کارگاههای صنعتی و تولیدی، چه کاری بهتر از پرداختن به انواع و اقسام کارهای خدماتی و یا تجارتی و یا واسطه‌گری و یا قاچاق؟! شغلهای که به وسیله آن می‌توان یک شبه ره صد ساله پیمود.

۳-وجود احتمالی برخی مقررات شدید و سخت‌گیرانه ورود کالا. گاهی اوقات ممکن است نرخ عوارض و مالیاتهای گمرکی برخی کالاها چنان سنگین باشد که افرادی که بهرحال از طریق صادرات و واردات (البته عمدتاً واردات) زندگی می‌گذرانند ریسک قاچاق کالاهای خود را بر ورود از طرق قانونی ترجیح دهند.

۴- غیر از موارد مذکور و عوامل اجتماعی و اقتصادی در این نوشتار نیامد، نمی‌توان از یک عامل رواشناسی و فردی نیز غافل گردید و آن اینکه عده‌ای در کشور ما، به تنها چیزی که نمی‌اندیشند به منافع ملی و مسئولیتهای عینی و جمعی خود است، این دسته افراد تنها به فکر پر کردن جیب گشاد خود و ثروت اندوزی و انبار کردن مال و دارایی هستند ولو اینکه این اعمال بصورت کاملاً نامشروع و به قیمت پایمال کردن حقوق دیگران و یا آسیب رساندن به اقتصاد ملی کشور و تلف گردیدن سرمایه‌های عمومی گردد و قاچاق همیشه یکی از شیوه‌های کسب درآمدهای کلان و نامشروع و نیز مخرب اقتصاد داخلی بوده است. بهرحال گرچه تا از بین رفتن پدیده مذکور فاصله زیادی داشته و کماکان شاهد مبارزه پیگیر نیروهای محترم انتظامی علیه قاچاق و کشف و ضبط قاچاق خواهیم بود.

ولی در اینجا سؤالاتی چند به ذهن می‌رسد، اینکه انبوه کالاهایی که توسط مأمورین فداکار نیروهای انتظامی کشف و توقیف می‌گردند چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟ دستگاه و یا دستگاههای متولی نگهداری و یا فروش این اموال و کالاها که در حقیقت همه آنها جزء اموال ملی و عمومی هستند کدامند؟ آیا کالاهای مذکور



که از انواع و اقسام کالا از وسایل خانگی گرفته تا قطعات اتومبیل و وسایل مخابراتی و پوشاک و غیره تشکیل می‌گردد و در بازار به فروش می‌رسند و اگر پاسخ مثبت است درآمد کلان حاصل از فروش آنها به چه صورت هزینه شده و یا احیاناً به چه حسابی واریز می‌گردد؟ و اگر به فروش نرسیده، تبدیل به پول نقد نمی‌گردند، پس چگونه از آنها بهره‌برداری می‌شود، آیا مانند کالاهای متروکه بین کارکنان دولت اعم از نظامی و غیرنظامی توزیع می‌گردند، اگر پاسخ مثبت است و کم و کیف این توزیع چگونه است؟ سؤال دیگر این است مبالغی که قاچاقچیان بدام افتاده به عنوان جریمه می‌پردازند که آن هم با توجه به حجم بسیار زیاد کالاها و نیز قیمت بالای آنها باید مبالغی کلان باشد به حساب کدام نهاد و سازمان و اداره واریز می‌گردد

ارائه پاسخهای صحیح، کامل و روشن به پرسشهای فوق، علاوه بر اینکه وظیفه ارگانهای ذیربط است، عامل بازدارنده هر نوع شایعه و یا پیش‌داوری نادرست نیز خواهد بود.

در پایان با توجه به نیازهای متعدد و گسترده استان در بخشهای گوناگون عمرانی، بهداشتی، آموزشی، ورزشی، تفریحی و ... پیشنهاد می‌گردد درآمدهای حاصل از فروش احتمالی کالاهای کشف شده قاچاق و نیز جرایم دریافتی از مجرمان، صرف عمران و آبادانی استان گردد.

«یکی از فرهنگیان استان بوشهر»

شوراهای شهر و روستا تجربه عینی مشارکت
● حسین ادیبی

شوراهای اسلامی و نقش آن در فرایند توسعه اجتماعی

کمتر از دو ماه دیگر به برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا باقیمانده است و امید می‌رود که یکی از وعده‌های جناب آقای خاتمی درخصوص توسعه سیاسی - اجتماعی در آستانه بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی محقق شود. انتخاباتی که در واقع تبلور عینی مشارکت مردم در امور اجرائی کشور محسوب می‌شود. اهمیت و تأکیدی که در مفاهیم دینی ما و از جمله قرآن کریم درخصوص لفظ شورا بکار رفته بسیار قابل توجه است که نمونه آن آیات ذکر شده در سورهٔ شوریٰ می‌باشد. در حداقل ۸ اصل قانون اساسی ما نیز بطور مستقیم به موضوع تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا اشاره شده است. اولین قانون شوراها در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۰ تحت عنوان «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری» تقدیم مجلس گردید که در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ به تصویب رسید. از آن زمان تاکنون با توجه به مشکلات اجرائی مربوط، بندهائی به قانون مزبور اضافه گردیده است. اما اهمیت تشکیل شوراهای اسلامی در این مقطع در چیست؟ درواقع می‌توان گفت: انتخابات شوراهای اسلامی گام مهمی در جهت مردم‌سالاری و تحقق جوهره جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی است. اساسی‌ترین پیام قانون شوراها توسعه مشارکت ملی در عرصه مدیریت اجتماعی می‌باشد. تأسیس شوراهای اسلامی شهر و روستا این امکان را فراهم می‌آورد که کشور از استعدادها، امکانات و توانمندیهای بالقوه مردم با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی استفاده کند. با تشکیل این شوراها بسیاری از مسائل در تصمیم‌گیریهای محلی و ادارهٔ امور به خود مردم منتقل می‌شود. اگر شوراها دارای ترکیبی مناسب و کارآمد باشد می‌تواند با توجه به شناختی که از مشکلات دارد، به بررسی و شناخت کمبودها و نارسائیهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با در نظرگرفتن ویژگیهای محلی و بومی هر منطقه بپردازد. از طرف دیگر فعالیت شوراها میتواند باعث حذف بخشنامه‌ها و دستورالعملهای سراسری که در همه مناطق کشور بطور مساوی جواب مثبت نداده است، بشود. همچنین پرورش مدیران لایق و خلاق از میان اعضای معمولی شوراها نیز از موارد مثبت به شمار می‌رود به نوعی که افراد لایق با آشکار ساختن خلاقیت و قدرت مدیریتی خویش می‌توانند سلسله مراتب ترقی را طی نمایند. از دیگر موارد مثبت تشکیل شوراها می‌توان به تصحیح فرهنگ عمومی و باور اجتماعی نسبت به قبول تصمیمات شوراها در مقابل نظرات فردی اشاره کرد به ویژه که در روستاها تفکرات کدخدا نشانه بیشتر از نظر شورایی مورد قبول است.

همچنین این باور عمومی بویژه در شهرستانها اصلاح می‌گردد که لزوماً افراد کارآمد و لایق را افراد غیربومی می‌دانند و معتقدند افراد باید همیشه از خارج از محیط شهرستان و استان انتخاب شوند.

اما در این میان جوانان چه جایگاه و نقشی می‌توانند داشته باشند؟ این انتخابات آموزش مفیدی برای حضور جوانان در صحنه‌های ادارهٔ جامعه می‌باشد که این امرموجب ارتقاء سطح فرهنگ، مشارکت و تقویت روحیه اجتماعی در جوانان خواهد شد.

در شرایط کنونی نیاز به تفکر خلاق و نوگرا و استفاده از اندیشه‌های جوانان در برنامه‌ریزیهای کلان کشور احساس میشود و ضروری است تا زمینه حضور جوانان در این شوراها فراهم گردد. این امر موجب تقویت روحیهٔ کار و مسئولیت‌پذیری، خوداتکائی و مؤثر بودن در اجتماع، در جوانان خواهد شد و کلام آخر اینکه با انتخابات شوراها مردم بصورت عینی و ملموس‌تر مفهوم مشارکت را تجربه می‌کنند و به کسانی رأی خواهند داد که دارای برنامه‌های مشخص و مؤثر جهت رفع موانع و مشکلات باشند. به امید حضور گستردهٔ مردم در روز هفتم اسفند ماه جاری در پای صندوقهای رأی.

انتخابات شوراها
تلاش برای تمرکز زدائی
● صفر آریان پور

بحث تأسیس شوراها در نظام جمهوری اسلامی در حقیقت ناشی از اعتقاد قانون اساسی به مردمی کردن اداره بعضی از امور کشور است. هر چند که سیستم شورایی اداره بعضی امور در متمم قانون اساسی رژیم گذشته نیز تحت عنوان «انجمنهای ایالتی و ولایتی» پیش‌بینی شده بود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به توصیه‌ای که در قرآن شریف و بر حسب سیرهٔ پیامبر اکرم(ص) در مورد اهمیت مشورت شده بود، امور قانونگذاری از طریق مجلس شورای اسلامی، و امور اداری از طریق شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر آن پیش‌بینی شده است که طبق قوانین مربوطه عمل خواهند کرد مدیریت هر واحد اجتماعی از نظر اعمال قدرت اداری، نوعاً به دو صورت انجام میگردد. یکی بصورت تمرکز یعنی اداره کلیه امور کشور در اختیار دولت مرکزی قرار گرفته و از طریق سلسله مراتب منظم انتقال می‌گردد. نوع دوم عدم تمرکز است که بجز بعضی از امور مهم کشور نظیر مسائل دفاع ملی، روابط خارجی و بین‌المللی، سیاستهای ملی اقتصادی و اجتماعی که باید در اختیار دولت مرکزی باشد مابقی امور تا آنجا که در حدود قوانین مصوب و عدم مغایرت با سیاست ملی و عمومی کشور باشد در اختیار قدرتهای محلی قرار میگیرد. بطور کلی شوراها عبارت‌اند از مراکزی که به منظور مشارکت هر چه بیشتر مردم و از طریق انتخابات، در اداره بعضی امور کشور و به خصوص امور محلی در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه پیش‌بینی شده‌اند. اصولاً تمرکز به هر نسبت که شدیدتر باشد دولت از حالت دموکراسی دورتر و به هر نسبت که سیستم عدم متمرکز در اداره یک کشور اعمال گردد حکومت مردمی‌تر و در نتیجه، معتدلتر خواهد بود. در اسلام اگرچه احکام و اوامر و نواحی بر حسب سلسله مراتب معین و مشخص از طرف خداوند به پیامبر(ص) وحی و از پیامبر(ص) به ائمه(ع) منتقل و به همین ترتیب به صحابه و تابعین رسیده و از این طریق عیناً باید به دیگران ابلاغ گردد، مع ذالک در اداره امور عرفی آیات قرآنی و رویهٔ پیامبر(ص) حکایت از دعوت مردم به شرکت و اظهارنظر در مسایل مهم دارد که علت اصلی آن یافتن بهترین راه‌حل برای اداره و حل آنهاست. در اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر دارد طبق دستور قرآن «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی‌الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. بنابراین با توجه به اینکه اصولاً تأسیس شوراها ناشی از فکر مردمی نمودن اداره امور مختلف کشور به خصوص امورمحلی است طبیعی است بعضی از مسائل، مثل امور مربوط به قانونگذاری ایجاب می‌کند این امور با مشورت و نظرخواهی مردم انجام گردد زیرا درغیر اینصورت قوانین تحمیلی ضمانت اجرایی مؤثر ندارد و موجبات نارضایتی مردم را فراهم خواهد کرد که البته این امر در مجالس قانونگذاری با واسطه یعنی انتخاب نمایندگان مجلس صورت می‌پذیرد اما در مورد شوراهای محلی فلسفه دیگری حاکم به سیستم تصمیم‌گیری‌های محلی است زیرا عواملی نظیر اختلاف زبان، نژاد، مذهب، آداب و رسوم ایجاب می‌نماید مردم در تصمیم‌گیری ضمن تمامیت ارضی و استقلال کشور، تبعیّت منطقه از سیاستهای کلی دولت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از آزادی در اداره امور خود برخوردار باشند و دولت مرکزی طبق قوانین و مقررات مصوب اداره محدود بعضی از امور را به شوراهای محلی واگذار نماید که در اصل یکصدم قانون اساسی مقرر می‌دارد «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند» لزوم همکاری و مشارکت مردم در اداره امور محلی جهت پیشرفت سریع برنامه‌های مختلف و تأمین امور رفاهی بیشتر هر منطقه است.

منبع: کتاب حقوق اساسی (رشته مدیریت) تألیف دکتر ارسلان ثابت سعیدی از انتشارات دانشگاه پیام نور

نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور
مدیرمسئول و سردبیر: یونس قیصی‌زاده
مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنچاری
مدیر فنی: حسین ابوالحسنی
چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری - تلفن ۲۷۷۹۷
آدرس: بوشهر، روبروی استانداری
دفتر هفته‌نامه نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹
● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
● مطالب فرستاده شده بازگردانده نمی‌شود.
● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.